

نبرد زن

نشریه

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

حوت ۱۳۹۰ (مارچ ۲۰۱۲)

شماره پانزدهم

دور اول

فصلنامه زنان

"خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!"

یکی از بهانه های فریب کارانه امپریالیست های امریکائی وانگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شئو و نیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود... علاوه تا ادعای مذکور به خاطر یکی بهانه فریبکارانه بود که آنها به جای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست نشانده ای را روی کار آوردند که نیروها و شخصیت های مرد سالار شونیست، بخش اعظم ترکیب آنرا تشکیل داده اند. بینش این نیروها و شخصیت های ارتجاعی و اساس سیاست های شان، صرف نظر از تفاوت های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان و روی کار آمدن رژیم دست نشانده آنها، مسئله زنان به مثابه گروگانان در دست اشغالگران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت، بدون اینکه کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده های وسیع زنان بوجود آمده باشد.

البته هویداست که یک قشر کوچک زنان خیانت پیشه، توسط اشغالگران و رژیم پوشالی پرورنده شده و بصورت نمایشی بروی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیادگرایان حاکم در رژیم دست نشانده را بپوشاند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریبکارانه تامین حقوق زنان. افراد شامل در این قشر کوچک پرورنده شده توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده، نه تنها به وزارت و وکالت رسانده شده اند، بلکه به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار راه یافتند.

اما در مقابل این قشر کوچک دست پرورده، توده های وسیع زنان قرار دارند که وضع شان با دوره امارت اسلامی طالبان کدام فرق اساسی نکرده است... جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شئو و نیستی و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانان توسط اشغالگران و خائنین ملی مورد سوی استفاده قرار گیرد... اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی و لو اینکه نهایتا در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه یی در نظر گرفته شود.

صفحه

فهرست مطالب مندرج در این شماره :

خوانندگان عزیز!

"محفل تجلیلیه روز جهانی زن که توسط اعضاء و فعالین دسته هشت مارچ زنان افغانستان در سه منطقه از ولایات مختلف کشور دایر گردید، درین شماره نبرد زن به دست نشر میرسد. برای اینکه وضاحت بهتری در متن نوشتاری به عمل آمده باشد، شماره پانزدهم نبرد زن به سه بخش و هر بخش گزارشات جداگانه محافل، بیانات مجری برنامه، مقالات، اشعار و سروده های هر یک از مناطق متذکره را در بر خواهد داشت.

(بخش اول)

- ۲ - دعوتنامه محفل
- ۳ - افتتاحیه
- ۴ - تاریخچه هشتم مارچ
- ۵ - من یک زنم (دکلمه)
- ۷ - زنده باد هشتم مارچ
- ۹ - زنده باد مبارزات برحق زنان
- ۱۰ - بگذارید این وطن دوباره وطن شود (دکلمه)
- ۱۳ - سرود اول
- ۱۵ - زن و جامعه
- ۱۶ - فرخنده باد هشتم مارچ، روز جهانی زن
- ۱۸ - فرخنده باد هشتم مارچ (اعلامیه دسته هشت مارچ زنان)
- ۱۹ - سرود دوم
- ۲۲ - قطعنامه

(بخش دوم)

- ۲۳ - گزارش محفل تجلیلیه هشتم مارچ
- ۲۴ - افتتاحیه
- ۲۴ - تاریخچه هشت مارچ
- ۲۴ - نقش ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه افغانستان در وضعیت زنان
- ۲۵ - ترانه سروده شده توسط دختران خورد سال
- ۲۶ - هشت مارچ و مسئله ستم بر زن
- ۲۶ - سلام دوباره

(بخش اول)

دعوتنامه

بمناسبت صدو یکمین سالگرد روز جهانی زن

روز جهانی زن ۱۰۱ ساله شد ، امسال میخوایم در کنار شما و دست در دست شما ، هم گام ، هم راه و هم صدا شویم!
میخوایم در صد و یکمین سالگرد روز زن ، رویاهای هزاران ساله زنان برای آزادی و برابری را با شما فریاد کنیم!
میخوایم فریاد کنیم که مبارزات زنان نشانه اتحاد و همبستگی و ادامه مبارزه آنان علیه هر گونه تبعیض و اشکال ستم بر زن است!
هشت مارچ به حضور همه زنان احتیاج دارد!
برای حضور و نقش تان ارزش قائل شوید!
برای این روز تدارک ببینید!
دوستانتان را با خود همراه کنید!
با فعالین زنان در تماس شوید!
گسترده و انبوه بیایید! و در دل دشمنان هراس افکنید!
از شما هموطن عزیز که با چنین محافلی علاقه مندی نشان میدهید دعوت به عمل می آید درین محفل ، که محفل هر هموطن آزادیخواه میباشد ، شرکت نموده و با اشتراک خود این محفل را رونق بیشتر ببخشید .
زمان برگزاری محفل:
جمعه ، ۱۹ جوت ۱۳۹۰ (۹ مارچ ۲۰۱۲)
از ساعت ۰۰:۲ بعد از ظهر تا ختم محفل
محل برگزاری محفل:

Email: nabardezan@gmail.com

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"



افتتاحیه محفل ۸ مارچ ۲۰۱۲

که دود از دید روزنها بگیریم
و تاوان از تبرزنها بگیریم

هلا! همراه درد آلوده برخیز
بیا تا غم شریک باغ گردیم

xxxxxxxx

دوستان مان که همیشه با ما همکاری داشته و دارند،
تدارک دیده شده که مشتمل بر مقاله ها، دکلمه ها و
ترانه هائی است که به سمع شما خواهد رسید.

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان" از کلیه عناصر ملی
و دموکرات دعوت می نمایند در این امر خطیر ملی و
سایر مسئولیت های مبارزاتی مان که جزء منافع اولیا
و فوری مردمان مان چیز دیگری نیست، ما را همکاری
نمایند.

تشکر، این شما و این داشته های برنامه ما!
"دسته ۸ مارچ زنان افغانستان"

۱۹ حوت ۱۳۹۰

حضار نهایت گرمی و مهمانان عزیز تشریف آوری
تان را در محفل امروزی مان خوش آمدید میگوییم.
خوشحالیم از اینکه دعوت ما را پذیرفته و با آمدن تان
به محفل ما صفا و صمیمیت دوستانه بخشیدید.

بار دیگر هشتم مارچ روز جهانی زن فرا رسید. امسال
میخواهیم در کنار شما و دست در دست شما، هم گام،
هم راه و هم صدا شویم!

میخواهیم در صد و یکمین سالگرد روز جهانی زن،
رویاهای هزاران ساله زنان برای آزادی و برابری را با شما
فریاد کنیم!

میخواهیم فریاد کنیم که مبارزات زنان نشانه اتحاد و
همبستگی و ادامه مبارزه آنان علیه هر گونه تبعیض و
اشکال ستم بر زن است!

۸ مارچ به حضور همه زنان احتیاج دارد! چرا که بدون
شرکت فعال زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمیرسد.

زنان مبارز و انقلابی برای رهایی از قید ستم و گسستن
زنجیرهایی که در جامعه و خانواده دست و پای آنان را
بسته و مانع شرکت شان در عرصه های مختلف اجتماعی
میشود باید جدا مبارزه نمایند و از مبارزات خلقها و زنان
انقلابی جهان بیاموزند و آنرا در جامعه خود به کار برند
و از این طریق برای متشکل شدن و دوشادوش مردان
مبارزه کردن بپا خیزند تا زمینه برپائی یک جنبش
انقلابی گسترده و نقشه مند علیه ستم بر زنان را فراهم
آورند.

محفل امروزی مان توسط اعضاء و فعالین "دسته هشت
مارچ زنان افغانستان" و با همکاری جمع دیگری از



" تو ای همرزم و همزنجیر و همسنگر "

دروود گرم ما را از حصار تیره زندان پذیرا شو

که ما امشب بنام فتح تو، از ساغر امید

مل ازادگی بار دگر نوشیم

که امشب هم بنام رزم تو، از گلشن جاوید

گل وارستگی، بار دگر بوئیم

من ای دخت دلیر و قهرمان خلق میدانم

که زنجیر اسیران ستم، مردانه بشکستی

و با آهنگ رقص آتش اندر کاخ ددخویان این مامن

به پاس رنج مردم - اخگر افگندی!

مهمانان عزیزالقدر و حضار نهایت گرامی مقدم شما را به محفل تجلیلیه روز جهانی زن در شهر هرات خیرمقدم عرض میدارم.

همانطوریکه در افتتاحیه محفل نیز یادآور شدیم، محفل امروزی مان را تدارک دیدیم تا صدای در گلو خفته زنان ستم دیده این دیار را با مسئولیت هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم و توانسته باشیم حداقل دین خود را اداء نماییم.

به این خاطر بیشتر ازین شما را منتظر نگه نموداریم و در آغاز محفل از خواهر عزیز خود جان تقاضا میکنم که، تاریخچه " ۸ مارچ " را به خوانش بگیرد. تا آمدن شان تشویق بفرمایید.

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

تاریخچه هشتم مارچ روز جهانی زن

مبارزه برای برابری اجتماعی و اقتصادی زنان و مردان انگشت گذاشتند. آنها مبارزه می کردند تا نشان دهند که این امر، یک جزء غیر قابل چشم پوشی از مبارزه برای رهایی همه ستم دیدگان دنیا است. آنها به درستی معتقد بودند که این مبارزه نباید به تاخیر افتد. اساس و پشتوانه تلاش آنها، مبارزه در حال گسترش توده زنان در امریکا و اروپا بود که مسئله زنان را بمثابة یک مسئله حاد و در دستور کار مطرح می کرد.

در روز ۲۳ فبروی ۱۹۰۹ دو هزار تن از زنان نیویورک، با شعار حق رای دهی برای زنان دست به تظاهرات زدند. آنها در پشت این مطالبه، به رسمیت شناساندن هویت انسانی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خود را جستجو میکردند، هویتی که در نظامهای طبقاتی مرد سالار برای قرنها نادیده گرفته شده است. زنان تظاهر کننده پیشنهاد کردند که هر سال در روز یکشنبه آخر فبروری تظاهرات سرتاسری در امریکا بمناسبت روز زن برگزار شود....

زنان انقلابی اتریش قبلاً روز اول ماه می را به عنوان روز جهانی زن پیشنهاد کرده بودند که مورد پذیرش کنفرانس قرار نگرفته بود. زنان انقلابی آلمان روز ۱۹ مارچ را پیشنهاد کردند. در

روز هشتم مارچ ۱۸۵۷، زنان کارگر نساجی در امریکا، در مخالفت علیه شرایط وحشتناک کار و زندگی، ساعات طولانی کار، استثمار شدید، دستمزد کم و محرومیت از هر گونه امکانات رفاهی، دست به مبارزه زدند. آنها تظاهرات کردند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط کار شدند. این مبارزه نقطه عطفی در تاریخ مبارزات زنان و کارگران بود، مبارزه ای که مقاومت زنانی را انعکاس میداد که بخاطر حرکت پر شتاب سرمایه داری به عرصه تولید و کار خارج از خانه کشیده می شدند. این مبارزه در ذهن زنان آزادیخواه در امریکا حک شد.

نیم قرن بعد، زمانی که مبارزات زنان برای تامین حقوق سیاسی و اجتماعی شان اوج گرفته بود، تظاهراتی به مناسبت پنجاهمین سالگرد هشتم مارچ ۱۸۵۷، توسط زنان برگزار گردید. در سال ۱۹۰۷ که این تظاهرات برپا شد، جنبش انقلابی کارگری به یک پدیده بین المللی تبدیل گشته بود و زنان کارگر و روشنفکر انقلابی به تعداد زیاد در صفوف این جنبش مبارزه می کردند. در میان آنها پیشگامانی بودند که به درستی بر ضرورت مبارزه مشخص علیه ستم جنسی و

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

من یک زنم

پروانه قاسمی

من زن صد ساله ام

صد ها هزار ساله ام

زنی که تمامی رنجها را از هزاران سال پیش کشیده است

در قرون وسطا، مرا چون جادوگری به آتش کشیدند

گاهی بخاطر زن بودنم، در کودکی زنده بگورم کردند

در جای جای این کره خاکی، گاهی بخاطر عشق، آتشم زدند، سنگسارم کردند

برای رشادتهایم

برای مبارزاتم

برای آزادی

بخاطر اینکه کارگرم

دهقانم

برای مادر بودنم

برای خواهر بودنم

بخاطر زن بودنم

بدارم کشیدند و تیربارانم کردند

حتی وقتی جلادان میخواستند مرا به دار بکشند، شکنجه ام کردند، تجاوزم کردند و بعد بدارم کشیدند

من زنم، زنی که به اندازه این کره خاکی عمر دارم و رنجها کشیده ام

فریادهایم قرنهایست دل همگان را به درد می آورد

من سفیدم، سیاهم، قرمز و زردم

به هر رنگی که باشم یک زنم!

زنی که دیگر نمیخواهد به سان گذشته زندگی کند

زنی که میخواهد دیگرگون کند، زنی که دیگر پایبند قوانین شما نیست!

زنی که میخواهد آزاد و رها باشد و دیگران را نیز رها سازد و دیگران را نیز رها سازد

تشکر

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

با تشکر از خواهر عزیز ما جان !

اگر پرسند از من زندگانی چیست ؟
خواهم گفت :

همیشه جستجو کردن ، جهان بهتری را آرزو کردن ...

من از هر وقت دیگر بیشتر امروز هشیارم

به بیداری پر از اندیشه ام ، در خواب بیدارم

زمان را قدر میدانم ، زمین را دوست میدارم.

چنان از دیدن هر صبح روشن میشوم مشتاق ، که گوئی اولین روز من است این

آخرین روزاست

درود شادیم با درد بدرودم در آمیزد

میان این دو آوا یک هماهنگی مرموز است

درین غوغای افسونگر

چو مرغان بهاری بی قرار هستم

دلم میگیرد از خانه ، دلم میگیرد از افکار اسوده و از گفتار طوطی وار بیهوده !

دلم میگیرد از اخبار روزانه ! گر از بازار گرم و جنگ سرد این و آن باشد

نه از راز شکوفائی نیروهای انسانی ،

فضای باز میخواهم که همچون آسمانها بیکران باشد

و دنیائی که از انسان نخواهد قتل و قربانی !

درین قسمت از محفل از خواهر عزیز خود جان تقاضا میکنم که تشریف آورده و مقاله ای که آماده نموده به سمع شما برساند. تا آمدن شان تشویق فرمایید.

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

زنده باد هشتم مارچ!

تبعیض جنسیتی از همان آوان کودکی در درون اکثریت عظیم خانواده ها بر اطفال تحمیل میگردد. دختران از همان روز اولی که تولد میشوند ، تحت ستم قرار میگیرند و مورد چنین تبعیضاتی واقع میشوند. جای تاسف است که اکثریت مادران هنگام تولد نوزادشان که دختر باشد اشک میرزند. اکثریت خانواده ها ، پسران شان را ارجحیت داده و در صورتیکه نوزاد متولد شده پسر باشد بیشتر شادمانی میکنند. دختران خانواده حتی از نگاه تعلیم و تربیه نیز در بعد درجه دوم قرار گرفته و نسبت توجه والدین بین پسران و دختران درین بخش

هشتم مارچ، روز جهانی زن را به تمام زنان آزادیخواه تبریک عرض میکنم. ما امروز گرد هم جمع شده ایم تا ازین روز خجسته تاریخی تجلیلی به عمل آوریم. ما درین روز تاریخی میخواهیم از مبارزات آنده زنانی که بخاطر تامین حقوق و آزادی های شان قربانی ها داده اند ، تجلیل به عمل آوریم. ما هشتم مارچ را تجلیل می کنیم تا مسئله زنان به صورت وسیع در سطح ملی و بین المللی مطرح گردد. مسئله زنان و ستم بر آنان یک مسئله بسیار عمیق و تاریخی است و بایک سلسله اقدامات فرمایشی و نمایشی حل نخواهد شد.

و با دادن دختر بعنوان " دختر خون " طرف مقتول از دعوای خود میگذرد. رسم دیگر این است که یک عده از خانواده ها دختران صغیرشان را به شوهر میدهند و یا اینکه زن بیوه مال موروثی خانواده شوهر فوت شده محسوب میگردد و حق و اختیار زندگی خود را ندارد.

در سطح ادارات دولتی اگر دیده شود، رژیم جمهوری اسلامی افغانستان یک تعداد زنان را به پای صندوق های رای کشانید، و یا اینکه یک عده را وارد پارلمان رژیم نمود و یک تعداد چوکی های دولتی را به زنان اختصاص داد و یا عده ای را وارد صفوف پولیس نمود. اینها اقداماتی است که گویا با تطبیق آنها حقوق زنان تامین شده است. و رژیم جمهوری اسلامی افغانستان میخواهد وانمود کند که زنان به حق و حقوق خود رسیده اند. متأسفانه اگر بخواهیم روی ابعاد وسیع قتل های ناموسی، خودسوزی ها، فرار از منازل، حق تلفی ها، تبعیضات جنسی، ملیتی، لسانی و غیره بحث کنیم، نمیتوان ابعاد وسیع این ظلم و ستم جاری بر زنان را در یک ساعت و یا دو ساعت بیان کرد. خلاصه ظلم و ستمی که بالای زنان و دختران اعمال می گردد ابعاد بسیار وسیعتری دارد و از بین بردن آن مستلزم یک مبارزه جدی و طولانی است.

به پیش در راه سازماندهی هرچه بیشتر و شکوفا تر چنین مبارزه ای!
تشکر

کار نیز قابل رویت است. دختر هنوز خرد سال است که در جامعه ما با تبعیض مواجه شده و از همان کودکی بصورت مستقیم و غیر مستقیم مورد تلقین اطرافیان خویش قرار گرفته تا خود را پایین تر از پسران بداند. از همان اوان کودکی مکلف است تا تقسیم کار اجتماعی را طبق معیارهای گذشته و به ارث رسیده از پدران و مادرانشان به پیش برند و بر طبق سنن گذشته عمل نمایند. همکنون هستند دخترانی که آرزو دارند ای کاش پسر به دنیا می آمدند و دلیل چنین آرزویی همانا مشکلات اجتماعی و تبعیضات تحمیل شده بر دختران است.

هنگامیکه دختران جوان شوند، معمولاً به دلخواه خود نمیتوانند ازدواج کنند. متأسفانه پیشکش یک عرف و عنعنه جامعه ما گردیده که قیمتی میانگین بین ۵ تا ۱۰ لک افغانی (معادل ۱۰ تا ۲۰ هزار دالر) روی دختران گذاشته میشود و چنین برداشت میگردد که اگر قیمت دختر بالاتر باشد گویا خوبی های او بیشتر است و هر قدر این مبلغ کمتر گردد به همان پیمانۀ خوبی هایش کمتر است.

رسم دیگر این است که دختران را بدل میکنند، یا اینکه دختران جوان شان را به مردان پیر یا بخاطر سرمایه شان و یا بخاطر اینکه در خارج از افغانستان زندگی میکنند میدهند، همچنان رسم دیگر جامعه ما این است که دختر را در بدل خون نیز میدهند و موضوع قتل را با جرگه قومی حل و فصل نموده

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

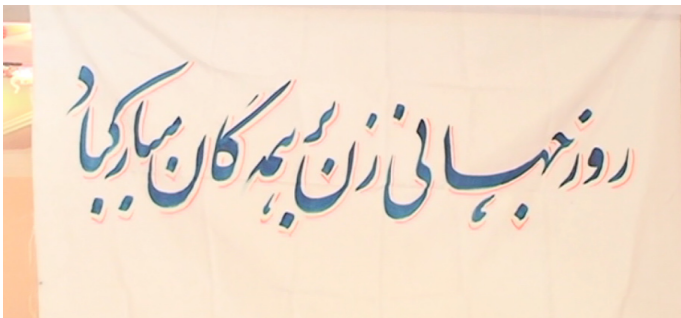
با تشکر از خواهر عزیز ما جان!

برای آغاز یک جنبش مترقی در جامعه و تقویت و تحکیم آن، قبل از همه به تدارک فکری نیاز است. این آمادگی فکری از طریق تبلیغ و ترویج اندیشه نوین در جهت ارتقاء سطح آگاهی فکری و سیاسی توده های مردم و ایجاد یک تشکیل انقلابی و دموکرات مردمی میسر است. زیرا بدون چنین تدارکی نمیتوان مبارزات ملی و طبقاتی توده های مردم را به جهت درست و اصولی رهبری کرده و آنرا به فرجام پیروزمند آن رساند. " دسته هشت مارچ زنان افغانستان " باورمند است که ازین طریق میتوان برای تحقق اهداف انقلابی گام برداشت.

درین قسمت از محفل توجه شما عزیزان را به مقاله ای که توسط خواهر عزیز ما جان تهیه شده جلب میدارم. لطفاً تشویق شان نمایید!

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

زنده باد مبارزات برحق زنان!



بله، ما نباید هشت مارچ را به عنوان یک مراسم سالانه تجلیل کنیم، و نباید تجلیل آنرا در سطح یک رواج سالانه پایین آوریم و همچنان نباید مبارزات برحق زنان را به تجلیل هشت مارچ خلاصه کنیم! ما باید تمامی زنان و دختران غیور این خطه را تشویق کنیم تا در چنین مراسمی سهم بگیرند و هشت مارچ روز جهانی زن را در جامعه ای که هنوز برای عده ای از زنان این سرزمین یک روز ناشناخته به شمار می آید، به تصویر کشیده و معرفی کنند.

روز هشت مارچ، روز تجدید عهد و پیمان مبارزاتی زنان است. درین روز زنان و دختران باید دست در دست یکدیگر گذاشته و همصدا شوند و تجلیل از هشت مارچ را در خدمت مبارزات دایمی زنان و در خدمت پیشرفت و ترقی این مبارزات قرار دهند.

توقع ما از آنعده مردانی که در چنین مراسمی اشتراک نموده اند، این است که نباید همسویی شان با مبارزات زنان را صرفاً در حد یک مراسم سالانه و یک روزه خلاصه نمایند. بلکه آنها باید بصورت مداوم درین مبارزه سهم ارزنده گرفته و زنان و دختران را به پیگیری این مبارزات تشویق نمایند. و همچنان در قدم نخست علیه امتیازات مردانه شان در درون خانواده و در سطح جامعه مبارزه کنند و زنان و دختران شان را به مبارزه علیه این امتیازات تشویق نمایند.

راه باز است و جاده دراز!

امیدواریم که در کنار هم و دوشادوش هم، بتوانیم عرصه تنگ زندگی و ذلت و خاری را از جامعه ریشه کن نماییم.

به امید چنین روزی!

تشکر

هشتم مارچ، روز جهانی زن را به تمامی زنان و مردان آزادیخواه این سرزمین، بویژه شرکت کنندگان این محفل تبریک میگویم.

هشتم مارچ بار دیگر فرارسید و ما با فرارسیدن چنین روزی به تجلیل آن گردهمائی را تشکیل داده ایم و دور هم جمع شده ایم. ولی حقیقتاً چه میخواهیم و چه میکنیم؟ مفهوم تجلیل مراسم هشت مارچ چیست؟ و چگونه باید تجلیل شود؟ اینها سوالاتی است که باید بدان جواب گفت.

اگر هشت مارچ و تجلیل مراسم چنین روزی صرفاً به مفهوم اجرای مراسم سالانه باشد درست نیست. اگر بخواهیم صرفاً با تجلیل مراسم سالانه ارزش تاریخی آنرا درین حد پایین آوریم باز هم درست نیست. ما باید هشت مارچ را تجلیل کنیم ولی نه به مفهوم پایین آوردن ارزش تاریخی و یا به مثابه یک مراسم سالانه! بلکه تجلیل از مراسم هشت مارچ، تجلیل از مبارزات برحق زنان است که در راه تامین حقوق شان به پا خاسته اند و مبارزه میکنند. تجلیل مراسم هشت مارچ تجدید عهد و پیمان مبارزاتی زنان است که در چنین روزی گرد هم جمع شده و دست در دست یکدیگر میگذارند تا بار دیگر به مردم دنیا ثابت بسازند که هستند زنان مبارزی که برای تامین خواسته های برحق زنان ستمدیده این دیار صدای در گلوی خفته زنان تحت ستم این کشور را به گوش جهانیان میرسانند. تجلیل مراسم هشت مارچ اعلام تصمیم جدی تر و قاطعانه تر ماست که از قبل برای پیشبرد مبارزات زنان تدارک دیده شده است.

ای نور چشم " رابعه"، ای دختر " یما"

پهنای زندگی،

چون سینه تنگ نظران تنگ و تار نیست

هر ذره زین جهان:

چون هوش رهنمای

روشن ستاره ایست به صحرای زندگی

باری، زخود برای!

در انجمن در آی! (۲)

کاینجاست آزمونگه نیروی مردمی!

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

با تشکر از خواهر عزیز ما جان !

با مشیت و لگد معنی امنیت چیست ؟

با نفی بلد ناجی امنیت کیست ؟

با زور مرا مگو که امنیت هست

با ناله ز من شنو که امنیت نیست !

درین قسمت از محفل توجه شما را به دکلمه ای که توسط خواهر عزیز ما جان تهیه شده جلب میدارم. لطفا تشویق شان کنید.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

خانم ها و آقایان تشریف آوری شما را درین محفل از جانب خود و دسته هشت مارچ زنان افغانستان خیر مقدم میگویم و به آن دلاور مردانی که در راه آزادی میهن جان خود را فدا نمودند درود میفرستم. شعری تهیه نموده ام تحت عنوان "بگذار این وطن دوباره وطن شود" که خدمت شما تقدیم میکنم:

بگذار این وطن دوباره وطن شود

بگذارید این وطن دوباره وطن شود.

بگذارید دوباره همان رویایی شود که بود.

بگذارید پیشاهنگ دشت شود

و در آنجا که آزاد است منزلگاهی بجوید.

(این وطن هرگز برای من وطن نبود).

بگذارید این وطن رویایی باشد که رویا پروران در رویای

خویش داشته اند..

بگذارید سر زمین بزرگ و پرتوان عشق شود

سرزمینی که در آن، نه شاهان بتوانند بی اعتنایی نشان دهند نه

ستمگران اسبابچینی کنند

تا هر انسانی را، آن که برتر از اوست از پا در آورد.

(این وطن هرگز برای من وطن نبود).

آه، بگذارید سرزمین من سرزمینی شود که در آن، آزادی را

با تاج گل ساخته گی وطن پرستی نمی آریند.

اما فرصت و امکان واقعی برای همه کس هست، زنده گی آزاد است

و برابری در هوای است که استنشاق می کنیم.

(در این "سرزمین آزاده گان" برای من هرگز
 نه برابری در کار بوده است نه آزادی).
 بگو، تو کیستی که زیر لب در تاریکی زمزمه می کنی؟
 کیستی تو که حجابت تا ستاره گان فراگستر می شود؟
 مهاجری هستم چنگ افکنده به امیدی که دل در آن بسته ام
 اما چیزی جز همان تمهید لعنتی دیرین به نصیب نبرده ام
 که سگ سگ را می درد و توانا ناتوان را لگدمال می کند.
 من جوانی هستم سرشار از امید و اقتدار، که گرفتار آمده ام
 در زنجیره ی بی پایان دیرینه سال
 سود، قدرت، استفاده،
 قاپیدن زمین، قاپیدن زرع
 قاپیدن شیوه های بر آوردن نیاز،
 کار انسان ها، مزد آنان،
 و تصاحب همه چیزی به فرمان آز و طمع
 من کشاورزم - بنده ی خاک -
 کارگرم، زر خرید ماشین.
 من مردمم: نگران، گرسنه، شوربخت،
 که با وجود آن رویا، هنوز امروز محتاج کفی نانم.
 هنوز امروز درمانده ام. - آه، ای پیشاهنگان!
 من آن انسانم که هرگز نتوانسته است گامی به پیش بردارد،
 بینواترین کارگری که سال هاست دست به دست می گردد.
 با این همه، من همان کسم که در دنیای کهن
 در آن حال که هنوز رعیت شاهان بودیم
 بنیادی ترین آرزومان را در رویای خود پروردم،
 رویایی با آن مایه قدرت، بدان حد جسورانه و چنان راستین
 که جسارت پر توان آن هنوز سرود می خواند
 در هر آجر و هر سنگ و در هر شیار و شخمی که این وطن را
 سرزمینی کرده که هم اکنون هست.
 آه، من انسانی هستم که سراسر دریاها ی نخستین را
 به جستجوی آنچه می خواستم خانه ام باشد در نوشتم
 و آمدم تا "سرزمین آزاده گان" را بنیان بگذارم.
 آزاده گان؟ یک رویا -

رویایی که فرا می خواندم هنوز اما
 آه، بگذارید این وطن بار دیگر وطن شود
 - سرزمینی که هنوز آن چه می بایست بشود نشده است
 و باید بشود! -
 سرزمینی که در آن هر انسانی آزاد باشد .
 سرزمینی که آز آن من است .
 -از آن بینوایان،
 که این وطن را وطن کردند،
 که خون و عرق جبین شان، درد و ایمان شان،
 در ریخته گری های دست هاشان، و در زیر باران خیش هاشان
 بار دیگر باید رویای پر توان ما را باز گرداند .
 آری، هر ناسزایی را که به دل دارید نثار من کنید
 پولاد آزادی زنگار ندارد .
 آن کسان که زالووار به حیات مردم چسبیده اند
 ما می باید سرزمین مان را بار دیگر پس بستانیم .
 آه، آری
 آشکارا می گویم،
 این وطن برای من هرگز وطن نبود،
 با وصف این سوگند یاد می کنم که وطن من، خواهد بود!
 رویای آن
 همچون بذری جاودانه
 در اعماق جان من نهفته است .
 ما مردم می باید
 سرزمین مان، معادن مان، گیاهان مان، رودخانه ها مان،
 کوهستان ها و دشت های بی پایان مان را آزاد کنیم:
 همه جا را، سراسر گستره ی این مملکت سر سبز را -
 و بار دیگر وطن را بسازیم!

مبارزه ، شکست ، بازهم مبارزه ، بازهم شکست ، بازهم مبارزه و سرانجام پیروزی ،
 اینست منطق توده ها ، در برخورد با مرتجعین .

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

با تشکر از خواهر عزیز ما جان !

ای خصم تو را مجال کین تیزی نیست

در کشور ما امید فیروزی نیست

با ما زدر صلح و صفا بیرون آی

کامروز جهان ، جهان دیروزی نیست!

درین قسمت از محفل از گروه سرود ، تقاضا میکنم ترانه زیبایشان را به سمع شما برسانند . تا آمدن شان تشویق فرمایید .

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان

به انقلاب آتشین و بی امان

بی امان

به سوی یک هدف شویم همه روان

ما روان

هو هووووووو

" به اتفاق و با همی و یکدلی

روانه ایم و میرویم و میرسیم

هو هووووووو

به اتفاق و با همی و یکدلی

روانه ایم و میرویم و میرسیم "

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان

xxx

شعار ما، مبارزات بی امان

برای جنبش رهائی زنان

ندای ما ، " در اتحاد و یکدلی

برای کافه ملل برابری "

خموش باد ، ظلم های ظلم ها

ظلم ها

" مباد زنده امتیاز رنگها

رنگها "

هو هووووووو

" یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم

هو هووووووو

یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم "

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن

به آن نبرد انقلاب بی امان

xxx

مبارزات، مبارزات با دوام

به سرنگونی کنونی نظام

ندای ما ، " در اتحاد و یکدلی

برای کافه ملل برابری "

نبرد های ما زنان این زمان

این زمان

زخشم توده ها نهفته جانیان

جانیان

" هو هووووووو

یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم

هو هووووووو

یکی شویم برادران و خواهران

برادران و خواهران یکی شویم "

درود ما ، درود ما به آن زنان

به آن زنان انقلابی جهان

درود ما ، به هشت مارچ به روز زن
به آن نبرد انقلاب بی امان ---- ۳
xxx

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

با تشکر از گروه سرود!

همدوش به مردمان دنیا نشویم
ما بنده شویم اگر که دانا نشویم

با علم و عمل اگر مهیا نشویم
نادانی و بندگیست توام به خدای

درین قسمت توجه شما را به مقاله ای که توسط خواهر عزیز ما جان تهیه شده جلب میدارم. لطفا تشویق
شان نمایید.

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

من ای شاهین آزاده

که پرواز فلکسای تو نیرنگ کهن بشکسته،

میدانم که زنجیر اسیران ستم

مردانه بشکستی!

اگر پرسان شود که جامعه چیست؟ هر کس به راحتی میگوید که جامعه عبارت است از : تجمع عده ای از مردم که
دارای اهداف مشترک ، فرهنگ مشترک ، زبان مشترک و سرزمین و تاریخ مشترک هستند .

انسان از ابتدای پیدایش جوامع اولیه به صورت گروهی زندگی را سپری نموده است و بعد از زمان فروپاشی نظام اولیه،
اولین تقسیم طبیعی کار و به دنبال آن تقسیم اجتماعی کار بوجود آمد و انسانها را به دو دسته جدا از هم تقسیم
نمود و بر مبنای همین تقسیم کار اجتماعی بود که خانواده شکل گرفت. پدر، مادر و فرزندان شان که با هم در یک
خانه زندگی میکنند ، کوچکترین اجتماع بشری نام نهاده شد. به همین پیمان مکتب یک اجتماع کلانتری نسبت به
خانواده ، قریه یک اجتماع وسیعتری نسبت به مکتب ، شهر و تشکیل ولایات و نهایتا کشوری با حدود اربعه مشخص
به نوبه خود اجتماع وسیعتری را در بر گرفت. این اجتماع بزرگ را جامعه انسانی میخوانند .

از کوچکترین اجتماع بشری که بنگریم ، دیده میشود که ، زن ، نیم پیکر آنرا تشکیل میدهد. زنان جامعه هستند که
چرخ اجتماع را به حرکت در می آورند و در جامعه ای که زندگی میکنند دارای حق و حقوقی هستند که متاسفانه در
طول تاریخ جوامع بشری این حق از آنها گرفته شده و حقوق زن در جوامع طبقاتی همیشه پایمال گردیده است. وقتی
بحث از حق و حقوق به میان می آید گفته میشود که چون تمام انسانها آزاد به دنیا می آیند بناء دارای حقوق برابر
هستند. حقوق انسانها را بدون در نظر داشت اینکه در کجا زندگی میکنند، به کدام زبان سخن میگویند، به کدام
مذهب عقیده دارند و به کدام قوم و نژاد تعلق میگیرند، را باید مراعات نمود. به این خاطر است که ما در روز تجلیل

برای اینکه روشنفکران بتوانند با توده ها درآمیزند ، زمان لازم است زمان برای اینکه آنها و توده ها یکدیگر
را متقابلا بشناسند . این روند یقین است که بدون رنج و برخورد زیاد طی نمی شود . ولی اگر شما کاملا مصمم
باشید به مقصود خواهید رسید .

از ۶۰ هزار سرباز قوای اشغالگر و نیروهای دولتی، که در رأس این جنایات قرار دارند و قانون باصطلاح اساسی کشور که برحاکمیت نظام مردسالار مهر تأیید زده است، عامل اصلی تمام این جنایات وحشتناک نسبت به مردمان ستمدیده افغانستان بخصوص زنان می باشد. مؤسسات دولتی و ناظران ملل متحد همیشه به موارد سطحی و ظاهری خشونت‌ها اشاره نموده و آنها را ناشی از بی بندوباری‌های قومندان سالاران قلمداد می نمایند، ولی بر مردم افغانستان هر روزه ستمهای بیشتری توسط قوای اشغالگر و مزدوران آنها اعمال میگردد که ستم‌گری‌های قومندان سالاران بخشی از آنها بوده و توسط قوای اشغالگر، حمایت میگردد.

بریدن گوش و بینی زنان، تجاوز و وحشیانه جمع‌ی به آنها، فروش زنان و کودکان در داخل و خارج کشور، سم‌پاشی مزارع به بهانه محو کشتزار مواد مخدر، بمباران‌های خانمان سوز و تباہ کن، اشاعه و گسترش اعتیاد و امراض ساری، سنگباران و تیرباران و شکنجه و زندانی نمودن زنان در زندانهای علنی و خصوصی و دهها مورد دیگر که در رأس آنها مستعمره بودن افغانستان قرار دارد، عمداً از قلم و نظر این "حامیان حقوق بشر" پنهان مانده و به آنها توجهی صورت نمی گیرد. نه تنها به آنها بلکه به مواردی که اشاره هم می نمایند هیچگاه تغییر اساسی وارد نمی شود و وضع زنان هر روز از روز قبل بدتر و بدتر می شود. در اثر بی توجهی قوای اشغالگر و دولت جمهوری اسلامی افغانستان هزاران زن و مرد، طفل و جوان در برف باری‌های اخیر از شدت سرما جان باخته اند که تعداد تلفات طبق گفته‌های مقامات دولتی از سیصد تن میگذرد و درین سرما و یخبندان بیش از دهها هزار مواشی تلف گردیده است، به هر صورت چه میتوان کرد و چه باید کرد؟ در شرایط کنونی که گرد هم جمع شده ایم، لازم است با تجلیل هشتم مارچ، روز جهانی زن را به روز مبارزات برحق زنان علیه هرگونه تبعیض، ستم، استثمار و درجهت برپائی یک مقاومت وسیع ملی، مردمی و انقلابی سمت و سوء دهیم و هشتم مارچ را در هر روز سال زنده و ماندگار نگه داریم.

بیش از چند دهه هست که با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده، ولی در طی این مدت به شکلی از اشکال سرکوب گردیده است. اینک که افغانستان تحت اشغال ۴۹ کشور جهان قرار دارد و دولتی دست نشانده در آن حکم میراند به یقین کامل جایی برای حمایت، حفاظت و حراست از حقوق زنان وجود ندارد. امریکا هنگام هجوم به افغانستان از "آزادی زنان" حرف زد اما باروی کار آمدن جمهوری اسلامی افغانستان اولین گام را برای اسیر نگه داشتن زنان برداشت، قانون "احوال شخصیه اهل تشییع" تثبیت شد و قانون‌های زن‌ستیزی را بنا نهاد که یکی پی دیگری وضعیت زنان را از قبل نیز بدتر ساخت. گرچه وزارت زنان را تشکیل داد و شامل شدن زنان در کورسی‌های بلند دولتی و نهادهای راجسترشده دولتی را روی دست گرفته؛ اما، همه و همه در خدمت اهداف غارتگرانه اشغالگران و دولت فعلی قرار دارد. رسانه‌های خبری جهان گزارشاتی را به نقل از منابع داخلی انتشار دادند که جا دارد دو نکته ازین گزارشات را به سمع شما برسانیم. بی بی سی در گزارش تاریخ ۵ مارچ پارسال خبری به این شکل انتشار داد:

"گزارشی که دو هفته پیش از سوی نهادی به نام "نوع زن" (Women Kind) منتشر شد، نشان می دهد که هشتاد درصد زنان افغان از خشونت‌های خانوادگی رنج می برند، ۶۰ درصد ازدواج‌ها اجباری است و نزدیک به ۵۷ درصد دختران، مجبور می شوند در سنین زیر شانزده سال ازدواج کنند."

وسخنگوی وزارت امور زنان افغانستان در بررسی سال ۲۰۰۷ خود به خشونت علیه زنان چنین اعتراف نمود و گفت:

"در ربع سوم امسال ۲۳۳۰ قضیه و در ربع چهارم ۶۷۱ قضیه (در خصوص زنان) را در مرکز و ولایات به ثبت رسانده ایم که رقم بالائی است. قضایای خشونت به انواع مختلف وجود دارد که می توان از آن جمله به لت و کوب، طلاق، خودسوزی، فسخ نامزدی، اختطاف، قتل، تجاوز جنسی و ازدواج اجباری اشاره کرد."

واقعیات وخیمتر، وحشتناکتر و به مراتب وحشیانه تر از اینها هم هست. بی بندوباری‌های ناشی از عملکرد بیش

زنده باد مبارزات برحق زنان افغانستان و سراسر جهان!

تشکر!

با تشکر از خواهر عزیز ما جان!
 بیا ای خسته خاطر دوست! ای مانند من دلکنده و غمگین!
 من اینجا بس دلم تنگ است
 بیا ره توشه برداریم،
 قدم در راه بی فرجام بگذاریم....

خشونت علیه "سحرگل" در رنج و عذاب اند. هزاران زن از طرف شوهر، پدر و یا برادر بقتل رسیده و میرسند، ازدواج های اجباری، خشونت های خانوادگی، لت و کوب، طلاق، خودسوزی، فسخ نامزدی، اختطاف، قتل، تجاوز جنسی، بریدن گوش و بینی، تجاوز وحشیانه جمعی، فروش زنان و کودکان در داخل و خارج کشور، اشاعه و گسترش اعتیاد و امراض ساری، سنگباران و تیرباران، شکنجه و زندانی نمودن زنان در زندانهای علنی و خصوصی و ده ها مورد دیگر که در راس آنها مستعمره بودن افغانستان قرار دارد، دروغ های نفرت انگیز و تهوع آور امپریالیستها را به خوبی میتواند به تصویر بکشد.
 هموطن من!

این رسالت بر دوش ماست که چهره افراد هم طبقه خود را به طرف خود برگردانیم و بگوئیم نگاه کن این منم، همراه تو و بی حقوقتر از تو، برخاسته ام تا بنیاد ستم را بر اندازم، رهائی ما در گروی پیوند مبارزاتی ما و نابودی کل روابط اجتماعی موجود است. زیرا رهائی حقیقی زنان و پیروزی چنین انقلاباتی در روابط اجتماعی حاضر، ممکن نیست. ما برای رهائی خود و زنان ستمدیده این دیار، چاره ای بجزء مبارزه ای سخت و چند جانبه نخواهیم داشت. زنان مبارز و انقلابی باید بخاطر نابودی تبعیض جنسی و هر آنچه تحقق آزادی، رفاه و زندگی انسانی را مانع میشود، حول منافع واقعی خود، حول منفعت خیل عظیم زحمتکشان متحد شوند، دست به دست هم داده تا بنیاد ستم را بر اندازند. بگذار جنبش هشتم مارچ در همه جا و از جمله در افغانستان به پیروزی های

درین قسمت از محفل توجه شما را به مقاله زیبای خواهر عزیز مان جان جلب میدارم. تا آمدن نشان تشویق شان کنید.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

فرخنده باد هشتم مارچ!

هشتم مارچ، روز جهانی زن را امسال در شرایطی برگزار میکنیم که مبارزات عظیمی از مردم جهان علیه نظام سرمایه داری که عامل اصلی فقر و گرسنگی، ستم و استثمار افسار گسیخته است، به پیش میرود. زنان در اکثر نقاط جهان درین روز و درین مبارزات، حضور چشمگیر و شورانگیزی دارند و برای بدست آوردن آزادی و برابری خود مبارزه میکنند.

از آنجا که اصول عمده برای آزادی و برابری زنان در کشورهای گوناگون جهان در روز هشتم مارچ برجسته میشود، زنان افغانستان نیز تلاش های خویش را باید برای برآوردن خواسته های برحق خویش متمرکز بسازند و بتوانند در کلیه امور زندگی، همپا با مردان سهم ارزنده بگیرند. زنان افغانستان باید به این سطح از درک برسند که بدون مشارکت کامل آنان در زندگی اجتماعی و مدنی و دستیابی شان به برابری و عدالت، پیشرفت واقعی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان پذیر نیست و نخواهد بود.

در شرایط کنونی افغانستان که یک کشور مستعمره - نیمه فئودال محسوب میگردد و حدوداً یازده سال است که حالت مستعمراتی آن را پشت سر گذاشته ایم با آنهم زنان کماکان از هزاران حادثه المناک و حیرت آور همانند

درخشانی دست یابد!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد هرچه اصولی تر، مقاومت ملی، مردمی و انقلابی!

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

۸ مارچ ۲۰۱۲ (۱۸ حوت ۱۳۹۰)

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

با تشکر از خواهر عزیز ما جان!

زان تغافل گر کنون ناشاد باید زیستن

ای فراموشان به ذوق یاد باید زیستن

بلبلان هم بندش دامست اینجا هم قفس

بر علیه خاطر صیاد باید زیستن

من همی گویم به کلی از تعلق ها برآ

کاملاً زین درد سر آزاد باید زیستن

چون سپندم عمرها در کسوت افسردگی

بر امید تپش فریاد باید زیستن

هر سر مویت خم تسلیم چندین، جانکنی ست

با هزاران تیشه فرهاد باید زیستن

اینچنین بودن نباشد راحتی بهر نفس

در ره یک نو شدن با شوق باید زیستن

درین قسمت از گروه سرود تقاضا میکنیم تا آخرین سرود این محفل را پیشکش حضورتان نمایند. لطفا تشویق شان کنید.

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

همه تندر سرکش

خروشنده نهنگیم

هلا! هلهله راییم

که با ظلم بجنگیم!

بین شوکت ما را

به پا خاسته کوهيم

به پا خاسته کوهيم

برين سايه ظلمت

ستيزنده پلنگيم

ستيزنده پلنگيم

گر از بام برانيد

زديوار برآييم

چو پتکيم ستم کوب

چو تيريم و خدنگيم

چو تيريم و خدنگيم

xxxxx

ز تقدير بريديم

ز ترديد گذشتيم

هلا رومي رومي

هلا زنگه زنگيم

هلا زنگه زنگيم - ۲

برين نظم ستم بار

بباريم چو رگبار

چو هنگامه بر آيد

خشايم و تفنگيم

همه تندر سرکش

خروشنده نهنگيم

هلا هلهله رايم

که با ظلم بجنگيم

بيين شوکت ما را

به پا خاسته کوهيم

به پا خاسته کوهيم

برین سایه ظلمت

ستیزنده پلنگیم

ستیزنده پلنگیم

گر از بام برانید

ز دیوار بر اییم

چو پتکیم ستم کوب

چو تیریم و خدنگیم

چو تیریم و خدنگیم

xxxxx

ز تقدیر بریدیم

ز تردید گذشتیم

هلا رومی رومی

هلا زنگه زنگیم

هلا زنگه زنگیم - ۲

برین نظم ستم بار

بباریم چو رگبار

چو هنگامه بر آید

خشابیم و تفنگیم

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

با تشکر از گروه سرود!

الحذر ای غافل از خشم بخود پیچیدگان

ای بسا کشتی که از توفان این گرداب رفت

عالمی از خشم مردان باخت رنگ اعتبار

پیکر چندین نیستان زین شرر بر آب رفت

عزیز ما جان به خوانش گرفته میشود. تا آمدن شان تشویق کنید لطفا.

قطنامه

ما کسانیکه در این روز پرشکوه به مناسبت صد و یکمین سالگرد روز جهانی زن گرد هم آمده ایم به صراحت اعلام میداریم که:

- ۱- تلاش و مبارزه پیگیر ما تا تامین عدالت اجتماعی در قسمت حقوق زن و مرد ادامه خواهد داشت.
- ۲- ما نکاح دختران کمتر از ۱۸ سال، بد دادن دختران، محروم نمودن دختر از ارث و ازدواج های اجباری دختران که توسط هر شخص صورت بگیرد محکوم میکنیم.
- ۳- ما برخلاف آنانیکه آزادی را در بی بند و باری و پذیرش فرهنگ غرب می پندارند، بر آزادی واقعی زن از قید اسارت واقعی تاکید میکنیم و خواهان آزادی عقیده و بیان برای تمام اقشار جامعه هستیم.
- ۴- ما روکش کردن زنان را به حساب تعداد، در نهادهای دولتی و مدنی بنام آزادی و رسیدن به حقوق مدنی و سیاسی زنان، به رسمیت نمی شناسیم.
- ۵- ما دوشادوش مردان این جامعه در راه رفاه، استقلال و تمامیت ارضی این خاک تا پای جان ایستاده ایم.
- ۶- بار دیگر ما ایجاد پایگاه های نظامی دایمی آمریکای ها در افغانستان را به شدت محکوم مینماییم و به صراحت اعلام میداریم که ایجاد چنین پایگاه هائی در افغانستان به هیچ وجه مشروعیت قانونی نداشته و برخلاف خواست و منافع مردم افغانستان خواهد بود.
- ۷- ما خواهان خروج بدون قید و شرط قوای خارجی از افغانستان هستیم.
- ۸- ما خواهان آزادی بدون قید و شرط آنده از زنانی هستیم که قربانی ستم جنسی و خشونت های خانوادگی شده و کماکان در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی افغانستان در حبس اند.
- ۹- مبارزه ما علیه ستم جنسی ادامه می یابد. ما این مبارزه را بمثابة بخش ضروری و غیر قابل انصراف از کلیت مبارزات علیه اشکال گوناگون ستم و استثمار پیش خواهیم برد.
- ۱۰- ما این مبارزه را در پیوند و ارتباط عمیق با مبارزه در راه استقلال و آزادی ملی مان پیش گرفته ایم و پیش خواهیم برد.
- ۱۱- تساوی میان ملیت های مختلف کشور و لغو هر گونه امتیاز طلبی ملی را خواهانیم.

ما یقین کامل داریم که برای یک حرکت موفق باید مبارزه زنان علیه کل نظام ارتجاعی حاکم بر جامعه را دامن زنیم و در پیوند تنگاتنگ آن مبارزه علیه ستم جنسی را نیز سوق دهیم. ما یقین داریم که برای دستیابی کامل زنان به حقوق حقه شان و تامین تساوی میان مردان و زنان، باید نظام استثمارگر، ستمگر و ارتجاعی زن ستیز کنونی از ریشه ساقط گردد، ازین رو مبارزه علیه ستم جنسی بدون مبارزه علیه نظام مردسالار کنونی یک حرکت ناکام خواهد بود.

زنده و جاودان باد مبارزات بر حق زنان!

زنده باد هشت مارچ!

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

(۹ مارچ ۲۰۱۲)

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

نازم آن مشتی که فرق زورمندان بشکند (۲)
 تف به آن دستی که دل های ضعیفان بشکند
 کلبه ی درویش را هر کس توان سازد خراب
 خادم آنم که درب کاخ سلطان بشکند

مهمانان عزیز و حاضرین محترم در تالار!

با ابراز سپاس و امتنان از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و به محفل ما صفا بخشیدید.

"دسته ۸ مارچ زنان افغانستان" آرزومند است که نشست امروزی حرکت تازه ای و دریچه نوی باشد به سوی فرادهای بهتر! تعدادی از دوستان ما برای توزیع قطعنامه "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" برای پذیرایی حاضرند، شما

(بخش دوم)

گزارش تجلیل از روز جهانی زن در شهر

هشت مارچ امسال توسط اعضای دسته مارچ زنان افغانستان در شهر بصورت نیمه علنی تجلیل گردید. این محفل روز پنجشنبه مورخ ۸ مارچ ۲۰۱۲ برگزار گردید و در آن بیشتر از ۱۵۰ نفر شرکت نموده بودند که بیشتر از ۹۵ فیصد آنرا زنان و دختران جوان تشکیل می داد.

محفل ساعت ۲ بجه بعد از ظهر شروع گردید و ساعت ۴ بعد از ظهر خاتمه یافت.

محفل با قرائت " افتتاحیه " توسط یکی از دختران جوان آغاز گردید. بعد از آن یکی دیگر از دختران جوان سندی در باره " تاریخچه هشت مارچ " را به خوانش گرفت. سپس چهار مقاله و سه قطعه شعر توسط سائر دختران جوان شرکت کننده در برنامه محفل قرائت گردید. همچنان در جریان محفل دو ترانه نیز توسط دختران خورد سال سروده شد. در اخیر، قطعنامه محفل توسط یکی از زنان میانسال شرکت کننده در برنامه محفل قرائت گردید.

این محفل سه خصوصیت ویژه خوب داشت:

اول - برنامه محفل بطور مستقلانه و توسط خود اعضای دسته هشت مارچ ترتیب و تنظیم گردیده بود و تمام مقالات و اشعار خوانده شده و ترانه های سروده شده در محفل توسط خود دختران شرکت کننده نوشته و انتخاب شده بود.

دوم - تمامی شرکت کنندگان در اجرای برنامه محفل را عمدتاً دختران جوان تشکیل می دادند و تعدادی از دختران خورد سال و یک زن میانسال نیز در برنامه محفل شرکت داشتند.

سوم - شرکت دختران و زنان جوان در محفل گسترده بود و بیشتر از ۹۵ فیصد مجموع شرکت کنندگان محفل را دختران و زنان جوان و بقیه را دختران خورد سال و زنان میانسال تشکیل می دادند.

این محفل دارای یک محدودیت منفی نیز بود:

- شرکت مردان در محفل خیلی اندک بود و می توان گفت که مردان تقریباً بطور کلی به محفل دعوت نشده بودند.

بطور کلی تمامی شرکت کنندگان محفل در قبال اعلامیه اخیر " شورای سرتاسری علمای افغانستان " یعنی شورای ملاحای جیره خوار اشغالگران و مداح رژیم دست نشانده و بخصوص بخش مربوط به حقوق زنان در آن، به شدت موضع مخالف و مبارزه جویانه داشتند و در ضمن تا حدی ابراز تشویش می کردند.

به آفتاب سلام دو باره خواهم داد

به آفتاب سلام دوباره خواهم داد

به جویبار که در من جاری بود

به ابرها که فکری های طویل بودند

به رشد درد ناک سپیدارهای باغ که با من

از فصل خشک گذر می کردند

به دسته های کلاغان که مزرعه شبانه را برای من به هدیه می آورند

به مادرم که در آینه زندگی می کرد

و شکل پیری من بود

و به زمین، که شهوت تکرار من، درون ملتهبش را

از تخمه های سبز می انباشت - سلام دوباره خواهم کرد

می آیم، می آیم، می آیم

با گیسویم، ادامه بوهای زیر خاک

با چشمهایم، تجربه های غلیظ تاریکی

با بوته ها که چیده ام از بیشه های آنسوی دیوار می آیم، می آیم

و آستانه پر از عشق می شود

و من در آستانه به آنها که دوست می دارند

و دختری که هنوز آنجا

در آستانه پر عشق ایستاده؛ سلام دوباره خواهم کرد.



سنت های اجتماعی و خشونت علیه زنان

زنان در وضعیت بدی قرار داشتند و اکنون نیز زنان تحت نظام

ساخت امریکا در وضعیت بهتری قرار ندارند بلکه در بسا موارد

وضعیت آنها بدتر شده است.

یکی از بهانه های اشغال افغانستان توسط امپریالیزم امریکا،

تامین حقوق زن می باشد، در حالیکه صرفاً یک تعداد زنان را

در پوست های دولتی بصورت سمبولیک موقوف داده اند، ولی

در زندگی زنان بیچاره و زحمتکش که اکثریت بیشتر از ۹۵

فیصد زنان افغانستان را تشکیل می دهند کدام تغییر جدی

رونما نگشته است.

یکی از علت های دیگری که زنان افغانستان نمی توانند به

حقوق شان نایل شوند، عدم آگاهی آنها از حقوق شان می

باشد. زنان زحمتکش افغانستان در شرایط بد زندگی فردی،

توسط " ر "

هشتم مارچ روز جهانی زن را به تمام زنان جهان و مخصوصاً

زنان ستمدیده افغانستان تبریک عرض می کنم.

خشونت علیه زنان در بسیاری از کشورهای در حال جنگ و در

حال توسعه به گونه تکان دهنده بیداد می کند. زنان نیمی از

نفوس جامعه بشریت را تشکیل می دهند که بگونه آشکار در

سراسر جهان بطور گوناگون تحت ستم اند. در کشورهای عقب

مانده و توسعه نیافته به یک شکل و در غرب بشکل دیگر. غرب

زنان را به مثابه کلای تجارتی استعمال می کند و از زنان در

تبلیغات تجارتی و غیره استفاده می کند. در افغانستان که در

رده فقیرترین کشورهای جهان قرار دارد، تحت نظام طالبان،

خانوادگی و اجتماعی قرار دارند و حتی تا هنوز در بعضی از مناطق افغانستان در بدل مویشی خرید و فروش می شوند. تعداد خود سوزی های زنان روز بروز زیادتر می شود و تا هنوز ازدواج های اجباری در دهات و شهرهای افغانستان وسیعاً رواج دارد. تمام این بی عدالتی ها در شرایطی صورت می گیرد که یک نظام دست نشانده خود را حامی و تامین کننده حقوق زن می خواند. وضعیت بد اجتماعی، زنان را بسوی خرید و فروش مواد مخدر، اعتیاد و فساد اخلاقی کشانده است که این حالت از سوی دسته های دولتی تقویت می شود. بررسی هایی که در ولایات صورت گرفته است، وضعیت فلاکت بار زندگی زنان را بخوبی نشان می دهد. در هلمند بسیاری از زنان بخاطر تامین اقتصادی فامیل های شان در مزرعه های کوکنار مشغول کار می باشند و در اکثر موارد این زنان معتاد به مواد مخدر می شوند. در ولایت هرات هر سال آمار خودسوزی بیشتر می شود. در ولایات شمال تجاوزات جنسی از سوی قومندان های دولتی و زورمندان جهادی بالای زنان و دختران

خورد سال صورت می گیرد. در اکثر ولایات از سوی وزارت امور زنان رژیم پروژه های رفاهی نام نهاد ایجاد شده است که امکانات آن را فقط رئیس و چند نفر کارمند ریاست های ولایتی امور زنان حیف و میل می کنند. در ولایت نورستان و مناطق پشه یی نشین چند ولایت زنان مجبور اند از صبح تا شام کار شاقه نمایند در حالیکه مردان این مناطق کار نمی کنند و به سرگرمی های احمقانه مشغول می باشند. شواهد نشانده این است که زنان در اکثر موارد به ستوه آمده و ناچار به دوایر دولتی و کمیسیون حقوق بشر مراجعه می کنند. اما آنها نه تنها از درد زنان ستم دیده نمی کاهند بلکه اعضای فامیل این زنان را با مشکلات گوناگون مواجه می سازند. خشونت ها، بی عدالتی ها و ظلم و ستم بالای زنان زمانی می تواند نابود شود که زنان به آگاهی اجتماعی و سیاسی دست یابند و در یک تشکیلات منظم سرتاسری علیه این بی عدالتی ها به مبارزه بپردازند.



خیز از جای و طلب کن حق خویش

توسط "ا"

خیز از جای و طلب کن حق خویش
خواهر من ز چه رو خاموشی

خیز از جای و طلب کن حق خویش
از کسانی که ضعیفت خوانند

از کسانی که به صد حيله و فن

گوشه خانه ترا بنشانند

تا به کی در حرم شهوت مرد

مایه عشرت و لذت بودن

تا به کی همچو کنیز بد بخت

سر مغرور به پایش سودن

تا به کی در پی یک لقمه نان

صیغه حاجی صد ساله شدن

خیز از جای و بکن ریشه ظلم

راحتی بخش دل پر خون را

جهد کن، جهد که تغییر دهی

بهر آزادی خود قانون را

ترانه سروده شده توسط دختران خورد سال

سرود و ساز شان بهر رهایی
صدایش تا به کوهساران براید
روان و جان وتن یکسر بسوزد
بود بال و پراز بهر پریدن
فضای باز بوستان بال آزاد

اسیران نغمه خوان با خوش نوایی
سرایید در قفس بلبل که شاید
قفس تنگ است و بال و پر بسوزد
الایاران قفس بهر دریدن
چه خوش پرواز و قل و قال آزاد



سرزمین خسته من

(شعری از فریبا فروغ)

توسط " ل "

سرزمین خسته من

سرزمین آرزوها

چشمهایت را روی هم بگذار

بخواب ...

بخواب تا شاید لحظه ای چند

در آنسوی پرده ها رویا را لمس کنی

گوشه‌هایت را با دستانت محکم بفشار

تا صدای بمب افکن های سیاه

قلب زیبایت را نلرزاند

آشفته‌گی ات را پنهان کن

نسل غم را به باد فراموشی بسپار

سرزمین خسته من

دیروز مادرم سخت پریشان بود

امروز من

و فردا طفلی که در بطن من وتو پرورش می یابد

چه باید کرد؟؟؟

آیا می توان درسوگ مرگ خورشید شهرنشست؟

آیا میتوان تکه های شکسته قاب عکس مهتاب را نظاره کرد؟

آیا میتوان دستان بریده احساس مانرا در دست نگیریم؟

نه نمیتوان ...

نمی توان از پشت شیشه

صدای نوحه پرندگان را شنید

دیگر نمی توان پروبال شکسته کودکان را دید وساکت نشست

سرزمین من ...
 امروز می خواهم
 آستین هایم را بالا بزنم
 و تمام تندیس های نفرین شده را
 از سرراحت بردارم
 سرزمین خوب من
 من با توهستم
 تمام این کبوتران عاشق با تواند
 تو تنها نیستی
 من تنها نیستم کبوترانی هستند که در راه آزادی پروبال می گشایند
 کبوترانی از جنس من " زن "
 کبوترانی از جنس مخالف من " مرد "
 ما تو را می سازیم
 آزادت می کنیم
 آبادت می نمائیم
 تنها از تو می خواهیم
 تا آغوش گرم و قلب مقدست
 حامی مان باشد ...



صدای غرش و توفان

توسط " ن "

از راه دور می آید
 صدای غرش و توفان
 و می راند ز گرداب جهالت؛
 به ساحل کشتی بی نا خدا را
 ز راه دور می آید
 صدای غرش و توفان
 و می پاشد با هر قطره
 در جویبار خشک و گرما سوخته گردون
 نم نم و باران آزادی

و زنجیر ها همه در انتظار صاعقه

آن نیلگون ابری که رعد آسا

بانگ جرس در سینه دامن صحرا

می نوازد طبل آزادی

و توفان با هیاهویش

خس و خاشاک را از بین خواهد برد

از آنسو ها می آید صدای

قهر

عصیان

خشم و

نفرت

انزجار از ظلم

بهشت عنبرین جامه زر پوشان

و بند مانده از تاریخ بر دستان و پاهامان

همه نابود خواهد شد

و با شب آمده تاریکی و ظلمت

چو صبح آید یکسر محو خواهد شد

و چون افسانه ی بر صفحه گیتی

یکی افسانه خواهد ماند



مهمانان عزیز و حاضرین محترم!

با ابراز سپاس و امتنان از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و به محفل ما صفا بخشیدید.

"دسته ۸ مارچ زنان افغانستان" آرزومند است که نشست امروزی حرکت تازه ای و دریچه نوی باشد به سوی فرادهای

بهتر!

درین قسمت از محفل توجه شما عزیزان را به قطعنامه "دسته ۸ مارچ زنان افغانستان" جلب میدارم که توسط خواهر

عزیز ما به خوانش گرفته میشود. با خواندن قطعنامه محفل ما هم ختم میشود

اگر با کمی و وکاستی ای درین محفل مواجه شدید، امیدواریم ما را ببخشید.

قطعه نامه

خواهران عزیز هشت مارچ امسال را در شرایطی تجلیل می کنیم که وضعیت زنان از سال های قبل بدتر و دشوار تر شده است. زنان هنوز ارزانترین قربانیان اجتماع هستند. خشونت علیه زنان رایج ترین و عام ترین خشونت ها هستند. احانت، ازار و اذیت، لت و کوب شکنجه، تجاوز و قتل زنان هنوز امار بلند دارد. در کشور استبداد زده، فقیر و عقب مانده ما زنان بیشترین فشار را متحمل می شوند.

با تمام این مصایب و ستم ها که بر زنان صورت می گیرد درد مضاف این است که در طول ده سال گذشته زیر نام "حقوق زنان" و "آزادی زنان" کشور ما مورد تجاوز و چپاول قرار گرفته است. هستی مردم ما به تاراج گرفته شده و غرور انسانی شان لطمه زده و هویت ملی شان از ایشان گرفته شده است. ده سال است که حقوق زنان و آزادی زنان دست مایه کسانی قرار گرفته است که از این معامله به مقام و منصب رسیده است. ده سال است که از توانایی ها و انرژی زنان برای دست مایه حفظ نظام ضد زن و اشکال ستم بر زنان استفاده نموده اند. ده سال است که نقش زنان در عرصه ی سیاسی کشور عروسک های کوکی بوده اند.

اکنون که اشغالگران با نیروی مقاومت ارتجاعی وارد سازش و معامله شده است معامله بالای حقوق زنان نیز جدی تر شده است. در یک کلام حقوق انسانی زنان امروز وسیله معامله برای معامله گران گردیده است.

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان" کلیه زنان آگاه و مبارز را جدا دعوت می نماید برای بیرون رفت از این وضعیت اسفبار کنونی در یک تشکل منظم و سازمان یافته گرد هم آیند. و بر انزواگرایی و فردمنشی تنگ نظرانه و نظرات عقب مانده که در میان زنان زیاد شیوع دارد فایق آیند. زنان فقط با داشتن یک سازمان منظم می توانند یک حرکت بنیادی و رادیکال در جهت تغییر سر نوشت و وضعیت شان ایجاد نمایند. زنان نیروی عظیم و قوی هستند هرگاه بتوانند بر عقبمانده گی های ذهنی و فکری شان فایق آیند، بدون شک آینده متفاوت خواهند داشت. زنان در یک تشکل منظم سیاسی که بتوانند آرمان و اهداف و خواسته های بر حق شان را انعکاس دهند، گردهم آیند می توانند بر شعور اجتماعی و دانش سیاسی شان بیافزایند و خود باوری و خود اعتمادی جنسی شان بالا ببرند. پس آنگاه است که زنان در عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی احساس مسئولیت خواهند کرد و بر حاشیه نشینی و نقش تماشای شان خاتمه خواهند داد و به یک عضو مستقل و آگاه جامعه در خواهد آمد.

از آن جایکه وضعیت زنان در این مدت نه تنها تغییر نکرده است، بلکه بدتر و وخیم تر نیز شده است. "دسته مارچ زنان افغانستان" یک بار دیگر بر طرح پیشنهادی که در محفل ۲۸ اسد امسال ارایه نمود پافشاری دارد و آن را با کمی تغییرات دو باره مطرح می نماید.

۱. کسب استقلال مملکت و میهن بدون آزادی زنان ناممکن است.
۲. استقلال واقعی کشور منجمله زنان فقط در اثر اخراج بدون قید و شرط نیروهای خارجی ممکن است.
۳. مبارزه علیه تروریزم و آزادی زنان همه بهانه و روپوشی برای تجاوز به کشور است. به این اساس دست متجاوزین و مداخله گران تحت هر نام و بهانه ای از افغانستان کوتاه گردد.
۴. رژیم می که به حمایت نیروهای خارجی و اشغالگران به وجود آمده باشد، فقط یک رژیم مزدور و مدافع نیروهای خارجی می تواند باشد نه مدافع حقوق زنان.
۵. کلیه زحمت کشان کشور اعم از زنان و مردمان بخصوص کارگران و دهقانان در وضعیت بسیار وخیم قرار دارد، به وضعیت فلاکت بار ایشان باید پایان داده شود.
۶. ما خواهان تساوی کامل میان مردان و زنان در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور بوده و خواهان لغو ازدواج اجباری می باشیم.
۷. ما خواهان بر قراری تساوی میان ملیت های مختلف کشور و لغو هرگونه امتیاز و برتری طلبی هستیم.
۸. آزادی عقیده و بیان حقوق انسانی هر فرد هست، ایجاد محدودیت و سرکوب آن تحت هر بهانه ای مجاز نیست و یک حرکت ضد انسانی شمرده می شود.

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

(بخش سوم)

گزارش تدویر هشتم مارچ روز جهانی زن

در شهر -----

هشتم مارچ روز جهانی زن به روز پنجشنبه مورخ ۸ مارچ ۲۰۱۲ با حضور بیش از ۱۰۰ تن زنان و مردان و با حضور رنگین و پر شور دختران و زنان تجلیل گردید. این برنامه از ساعت ۳ بعد از ظهر هشتم مارچ تا ساعت ۵ بعد از ظهر به مدت دوساعت ادامه یافت. از هشتم مارچ امسال در شرایطی بزرگداشت گردید که کماکان در گوشه و کنار کشور روزانه و بصورت متداوم زنان تحت شکنجه آزار و اذیت جنسی و روانی قرار دارد. از هشتم مارچ امسال در شرایطی تجلیل شد که زخم های سحر گل التیام نیافته و روزانه هزاران سحرگل و هزاران عایشه گوش و بینی اش را از دست میدهند. هشتم مارچ یکبار دیگر صدای زنانی را بازتاب میدهد که شوونیزم جنسی مرد سالار با تمام قوت دست به انواع ستم و شکنجه علیه آنان میزنند. هشتم مارچ را با حضور سنگین نیروهای متجاوز و رژیم دست نشانده در کشور جشن گرفتیم. حضوری که بر علاوه به اشغال در آمدن کشور، و در سایه ی شعارهای به اصطلاح حقوق زن، آزادی و دموکراسی؛ روزانه از سوی همین "مدافعین حقوق زن" بگونه ی وسیع تجاوز و جنایت علیه زنان صورت میگیرد. و در چارچوب رژیم دست نشانده ضد زن ترین افراد و خائنین ملی قرار دارند. با این همه ما از هشتم مارچ گرامیداشت به عمل آوردیم تا صدای رسای هزاران زن را که مورد ستم و قربانی قرار میگیرند بلند و بلند تر بسازیم و با تمام نیرو "خشم زنان را به مثابه ی نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها سازیم"



افتاحیه

خانمها و آقایان سلام و درود بر شما

دسته هشت مارچ زنان افغانستان مانند سالهای گذشته امسال نیز هشت مارچ را تجلیل می نماید. تشریف آوری تمامی دوستان حاضر را در این محفل خوش آمدید می گوئیم و آرزو مندیم تا ختم محفل ما را همراهی نمایید. محفل امروزی ما شامل: مقالات، اشعار و سرود می باشد که به سمع شما خواهد رسید. امید مورد توجه شما قرار گیرد.



هوای پائیزی و بارانی ام من
 درون خشم خود زندانی ام من
 چه فردای خوشی را خواب دیدیم
 تمام نقشه ها بر اب دیدیم
 چه دورانی ، چه رویایی عبوری
 چه جستن ها به دنبال ظهوری
 من و تو نسل بی پرواز بودیم
 اسیر پنجه های باز بودیم
 همان بازی که با تیغ سرانگشت
 به پیش چشم های من ترا کشت
 همان بازی که با تیغ سرانگشت
 به پیش چشم های من ترا کشت
 تمام آرزوها را فنا کرد
 دوست دوستی مان را جدا کرد
 تو جام شوکران را سر کشیدی
 به ناگاه از کنارم پر کشیدی
 به دانه ، دانه اشک مادرانه
 به ان اندیشه های جاودانه
 به قطره ، قطره خون عشق سوگند
 به سوز سینه های مانده در بند
 دلم صد پاره بر خاک افتاد
 به قلبم از غمت صد چاک افتاد
 بگو
 بگو آنجا که رفتی شاد هستی؟
 در آنسوی حیات آزاد هستی؟
 هوای نوجوانی خاطرت هست؟
 هنوز هم عشق میهن در سرت هست؟
 هوای نوجوانی خاطرت هست؟
 هنوز هم عشق میهن در سرت هست؟
 بگو ، آنجا که رفتی هرزه ای نیست؟
 تبر تقدیر و سرو سبزه ای نیست؟
 کسی دزد شعورت نیست آنجا؟
 تجاوز به غرورت نیست آنجا
 کسی دزد شعورت نیست آنجا؟
 تجاوز به غرورت نیست آنجا؟
 خبر از گورهای بی نشان هست؟
 صدا ضجه های مادران هست؟
 بخوان همدردمن هم نسل و همراه
 بخوان شعر مرا با حسرت و آه
 دوباره اول مهر است و پائیز
 گلوی آسمان از بغض لبریز
 من و میزی که خالی مانده از تو
 و گلهای که پژمرده سر میز
 حالا از خانم ویدی جان تقاضا مندم که تاریخچه هشت مارچ را به سمع شما برساند.



تاریخچه هشتم مارچ روز جهانی زن

رهایی زنان برمی داشت. در آمریکا و اروپا؛ زنان علیه سنن و قیود و قوانین مردسالارانه و احکام اسارت بار کلیسایی به مبارزه برخاستند و موضوعاتی چون حق طلاق، حق سقط جنین، تامین شغلی، منع آزار جنسی، ضدیت با هرزه گردی و کاهش ساعات روزانه کار مطرح گردید.

مبارزات زنان توانست در برخی کشورها دستاوردهایی را کسب کند و در برخی کشورها ماندگار گردد. جنبش جهانی زنان نمی توانست از جنبش عمومی انقلاب جدا بماند در هشتم مارچ ۱۹۶۹ زنان آمریکا در دانشگاه برکلی گردهم آمدند و علیه جنگ تجاوزکارانه یانکی های امریکایی در ویتنام تظاهرات نمودند و در چنین شرایط دولت های سرمایه داری مجبور بودند در مقابل جنبش جهانی زنان به تدابیر و حيله گری ها متوسل شوند و در نتیجه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ هشتم مارچ را به مثابه روز جهانی زن به رسمیت شناخت.

اما اجرای مراسم قلبی و فرمایشی "روز زن" و حرکت های دیگری که از آن پس، توسط ستمگران به اصطلاح در حمایت از زنان برگزار شده و می شود هیچگاه نتوانسته و نخواهد توانست اهمیت و جایگاه واقعی هشتم مارچ را بیان دارند. در کشور اشغال شده ما که نیروهای متجاوز خارجی با شعارهای کاذب و فریبنده آزادی و حقوق زنان و غیره دولت دست نشانده را تشکیل داده و هر روز برنامه های فریبنده در مورد مسایل زنان دارند جز فریب چیزی بیش نیست. دولت پوشالی موجود یکی از ضد زن ترین دولتی است که از نگاه ماهیت اش هیچ فرقی با اسلاف اش چون امارت اسلامی طالبان ندارد. روزانه در گوشه و کنار کشور شاهد خشونت، قتل، خودسوزی، فرار از منزل، تجاوز جنسی و انواع شکنجه بر زنان هستیم که دولت پوشالی نه تنها عاملین آنرا مجازات نمیکنند بلکه قربانی اصلی زنان هستند. در چنین شرایط دولت مزدور دوز جهانی زن را نیز تجلیل می نماید اما تجلیل روز جهانی زن و نهادهای وابسته به دولت جز فریب و پوشانیدن ستم بر زن در کشور ما چیزی بیش نیست. دولت در روز جهانی زن با اجرای نمایش های مضحک و دادن تحفه ها به چنپ زن وابسته و مزدور میخوانند نشان دهد که زنان در این کشور دارای حقوق و آزادی هستند. اما واقعیت به گونه دیگر هست. هشتم مارچ و مبارزه برحق زنان در کشور ما در پرتو مبارزات برحق تمام توده های کشور برای بیرون راندن اشغالگران و رژیم پوشالی منعا و مفهوم واقعی خود را پیدا خواهد کرد.

"هر روز را هشت مارچ بسازیم و هشت مارچ را در هر روز سال زنده کنیم"

(ویدی)

اگر به تاریخ مبارزات نظر اندازیم می بینیم که در صفحات آن روزهای بیاد ماندنی وجود دارند، روزهاییکه به عنوان نشانه و مظهر هر مبارزه در تاریخ مبارزات ثبت شده و به مظهر و فراخوان مبارزه تبدیل میشوند. هشتم مارچ نیز یکی از همین روزهای تاریخی است که بنام روز جهانی زن در تاریخ مبارزات جهان ثبت گردیده است. سرآغاز تاریخی روز جهانی زن، هشتم مارچ ۱۸۵۸ میلادی است. در این روز زنان کارگر پارچه باف در آمریکا علیه شرایط سخت کار، ساعات طولانی کار، دستمزد اندک، استثمار شدید و محرومیت از هر گونه امکانات رفاهی بر علاوه وظیفه نگهداری و بزرگ کردن فرزندان و کار بردگی خانگی در خدمت شوهران و مردان خانواده به جاده ها ریختند و خواهان حقوق برحق شان گردیدند. پولیس این تظاهرات را به شکل بیرحمانه سرکوب نمود. عده زیادی زنان کشته شدند و تعداد زیاد نیز دستگیر گردیدند. خاطره این تظاهرات پنجاه سال بعد در سال ۱۹۰۷ با زهم با گردهمایی گسترده تر زنان آزادیخواه و روشنفکر دوباره زنده گشت دیدگاه گزینش روزی به عنوان "روز زن" نخستین بار در جریان مبارزات زنان نیویارک با شعار "حق رای برای زنان" مطرح شد و توانست توده وسیع زنان را از اقشار و طبقات گوناگون گردهم آورد و زنان در پشت این شعار در تلاش به رسمیت شناساندن هویت اجتماعی و انسانی خویش بودند واقعیتی که در نظامهای طبقاتی مردسالار قرن ها نادیده گرفته شده بود. دومین کنفرانس زنان سوسیالیست در سال ۱۹۱۰ به مسله تعیین روز جهانی زن پرداخت و کنفرانس تاریخ برگزاری نخستین مراسم "روز زن" را ۱۹۱۱ مارچ ۱۹۱۱ تعیین کرد. تمام سرک های آلمان، اتریش، سوئیس و دنمارک به مارش قدرتمند زنان به لرزه درآمد. در سال ۱۹۱۳ "دبیرخانه بین المللی زنان" هشتم مارچ را به یاد مبارزه زنان کارگر نساجی در آمریکا به عنوان "روز جهانی زن" برگزید در همان سال زنان زحمتکش، روشنفکر و انقلابی در روسیه تزاری و سراسر اروپا؛ مراسم هشتم مارچ را به شکل تظاهرات و همایش های وسیع برگزار نمودند. در سال ۱۹۲۱ کنفرانس زنان انترناسیونال سوم در مسکو برگزار شد و روز هشتم مارچ را بنام روز جهانی زن به تصویب رساندند. از اواسط دهه ۱۹۳۰ برگزاری تظاهرات روز جهانی زن در کشورهای که تحت سلطه فاشیسم بودند غیرقانونی اعلان شد و با وجود آن در هشتم مارچ ۱۹۳۶ زنان در برلین و شهر مادرید اسپانیا تظاهرات کردند و جهانیان را به دفاع از حقوق زنان فراخواندند. در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین جنبش های جهانی بحش پیا خاسته بودند در کشورهای سرمایه داری پیشرفته نیز جنبش ها و مبارزات انقلابی و ترقی خواهانه بالا گرفته بود. انقلاب فرهنگی در چین گام های عمیق و گسترده که در تاریخ بی مانند بود در مسیر

از خانم ویدی جان جهان سپاس

شعر من ای گوهر افتاده از چشم زمان
 شعر من ای گلبن پرورده در بستان رنج
 شعر من ای غنچه پژمرده در مرداب غم
 شعر من ای اشک سیمین خفته بر مژگان رنج
 شعر من ای اه خونین بر لب خاموش من
 بلبل دستان سرای آشیان بردوش من
 نغمه شادی به بزم سوگواران تابه کی
 زندگانی در پناه نابکاران تابه کی
 بال زیبای تو با زنجیر زرین بسته اند
 شعر من ای بلبل دستان گر عشق و امید
 شعر من ای شعله لرزان شب های سیاه
 شعر من ای مهر عالم تاب فردای سپید
 ناله شو، فریاد شو، فریاد رزم انگیز شو
 نغمه جان سوز شو، آهنگ رستاخیز شو
 پرده بی داد و زنجیر ستم را پاره کن
 از هراس زورمندان پرده پوشی تابه کی؟
 موج شو، سیلاب شو، سیلاب پر جوش و خروش
 لرزه دردل ها پدید آور خموشی تابه کی؟
 در این قسمت محفل خواهرمان فاطمه جان مقاله ای تهیه نموده به خوانش میگیرد.



روز هشتم مارچ راهر چه باشکوه تر تجلیل کنید

دشمن آتش به جان و باد پیمارا بگو خاک بر سر کن که آب
 رفته باز آمد به جو
 زنان مبارز کشور ما به این نتیجه رسیده اند که بدون
 آگاه نمودن توده زنان و بسیج نمودن آنها و مبارزه جدی
 و پیگیر برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر نمیتوان
 به آزادی دست یافت، زیرا اینها دشمنان زنان و کلیه
 زحمتکشان اند. که امروز در افغانستان از خائنین، میهن
 فروشان، قاتلان و متجاوزین جنسی بطور جدی حمایت
 مینمایند. اینها اند که میخواهند زن ستیزان و قوانین و
 رسومی که حقوق برابر میان زنان و مردان را به رسمیت
 نمی شناسند پا برجا نگهدارند. اینها اند که از ستم بر زن
 و ستم بر ملیت ها و خلاصه ستم بر توده های زحمتکش
 همه ملیت ها سودهای کلانی به جیب می زنند. اینها اند
 که میخواهند با تمام توان و توش، توان و نیروی خلاق
 مبارزین راه آزادی را به تحلیل برده و فاسد شان سازد و
 زنان را هر چه بیشتر فرودست سازند. بطور خلاصه تمام

امروز هشتم مارچ سال ۲۰۱۲ میلادی برابر با ۱۸ حوت
 سال ۱۳۹۰ هجری شمسی است.
 من این روز را به تمام زنان سلحشور و ستم دیده
 جهان و بخصوص زنان ستم دیده افغانستان تبریک
 میگویم، و یاد جانباختگان این روز را گرامی میدارم. و از تمام
 زنان و مردان آزادیخواه ای که در این محفل اشتراک
 نموده اظهار سپاس می نمایم. نسل جدید از زنان
 و مردان انقلابی امروز گرد هم جمع میشوند تا این
 روز را گرامی داشته و از حقوق برابر میان زنان و مردان دفاع
 نمایند. در سرتاسر دنیا زنان و مردان مبارز و آزادیخواه این
 روز را جشن میگیرند و به خیابان ها میریزند، تا از حقوق
 برابر میان زنان و مردان وهم چنان از حقوق دموکراتیک
 همه مردم زحمتکش دفاع نمایند. ماهم امروز به
 خاطر در اینجا گرد
 هم جمع شده ایم تا از حقوق زنان و مردان ستم دیده این
 کشور دفاع نموده و این صدا را بلند نمائیم.

سرنگونی رژیم پویشالی همت گمارند. زنان نه تنها باید جرئت یابند، بلکه باید با آمادگی و تجهیزات بیشتر در مبارزه برای بیرون راندن اشغالگران و نابودی سیستم کهنه و فرتوت که آنها را جنس درجه دوم قلمداد نموده و فرودست نموده است به پا خیزند و برای ایجاد جامعه نوین و بهتر وارد میدان شوند تا تمام توده های زحمتکش اعم از مرد و زن به آزادی رسیده و از حقوق برابر برخوردار شوند. زیرا فرودست بودن زنان و تحمیل ستم و استثمار بر توده های زحمتکش از سلطه و ستم امپریالستی و طبقاتی جدا نیست. به همین لحاظ باید که این سیستم را واژگون ساخت و آنرا به یک جامعه کاملاً نوین مبدل نمود. بنابراین زنان زمانی میتوانند که از حقوق برابر با مردان برخوردار شوند، حقوق کامل خود را بدست آورند و سرنوشت خود را از نو شکل دهند که جز جدا نشدنی انقلاب جهانی شوند.

به پیش در راه رهایی زنان و کلیه زحمتکشان



تشکر از خواهران فاطمه جان.

بلی فرودست بودن زنان و تحمیل ستم و استثمار بر توده های زحمتکش از سلطه و ستم امپریالستی و طبقاتی جدا نیست.

سلام ای خواهرم! ای نور چشمم
 مرا شاید پس از امشب نفس نیست
 بگیر این بیل و این داسم بدستت
 که در دور و برت کم خار و خس نیست
 به دستانت مبندی دست بندی
 مگر آزادی ات هرگز هوس نیست؟
 مبادا حلقه در گوشت نمایی
 ترا محکوم بودن هیچ بس نیست؟
 مگر ای دختر دهقان نژادم
 ترا این خانه، این دنیا قفس نیست
 پر پراونه خواهد شعله شمع
 و آتشبازی در ذهن مگس نیست
 خودت تصمیم تغیر جهان گیر
 که جز دست خودت فریاد رس نیست
 پیاشان بز یک دنیای نورا
 که در آنجا ستم بر هیچ کس نیست

اینک برادرمان سیرجان شعر را که آماده نموده به سمع شما میرساند.

با عرض سلام من هم به نوبه خود ۸ مارچ روز جهانی زن را به تمامی زنان ستم دیده و مردان آزادی خواه تبریک میگویم.

دختر قالین باف

توبا این خوردسالی خواهرم قالین می بافی

وپشت هر نخ و رنگش چه الافی؟

اگر یک لحظه فرصت میشود دستت توقف ده

که میخوایم بگیرم از شما خواهر بیوگرافی

چه میپرسی از احوالم؟ منم عصاره غمها

اگر تو نکته میدانی همین یک جمله ات کافی

تو یک دنیای مشکل پیشرو داری، اگر میشه

کمی با دستها و ذهن خود کن کاری صرافی!

تو حق زیستن داری به هر شکلی که میخواهی

فقط آزادی کم داری، نه یک دنیای اشرافی

برای کسب آزادی کمی همت، کمی شورش

که تا آخر نمی ماند نه بن لادن، نه قذافی



از برادرمان سیرجان سپاسگزاریم.

صورت می خپل واک یی دبل دی

صورته خاوری شی چی نور دی واک کوینه

دپښتون والی درانه پته

زماپه خوله دی لاس نیو گونگه دی کرمه

خلکو دی کوندو پناگر شی

چی میراث خوریی په لیوانو ودوینه

په نیمه شپه سوی ناری شوی

مورله لورانو بیلوی کوکی وهینه

ده خپرونی په دی برخه کی له میرمن آرزو څخه هیله کوم چی خپله مقاله تاسو ته وړاندی کری.

بنځه څه ډول دویم جنس شوه

تر نن پورې بنځه نه یوازې زموږ په ټولنه کې دوهم جنس گڼل کیږي بلکه په ټوله نړۍ کې دوهم جنس ده خو په بنځو باندې د کړاونو کچه په هر هیواد کې توپیر لري. که موږ خپلې ټولني ته راشو زموږ د ټولني جوړښت پوره مستعمره او نیمه فیوډالي جوړښت دی. په داسې ټولنو کې جنسي کړاو له امپریالستي کړاو سره ټینګې اړیکې لري نو د دغه جوړښت پر بنسټ کولی شو چه د بنځو په ټولنیزو او تاریخي ستونزو خبرې وکړو.

لکه څنګه چه مومخکې یادونه وکړه له پخواه نه تر نن پورې د بنځو گوښه کیدل له اقتصادي چارونه نن هم تر ټولو ستره ستونزه ده چه زموږ په هیواد کې هغوی ورسره لاس او گریوان دي. د اقتصادي خپلواکي نشتون د بنځو په ژوندون خورا ډیره بده اغیزه کړې ده اند تردې حده پورې چه یوه بنځه نشي کولی چه خپل د ژوند پریکړې پخپله وکړی او د یوه آزاد او خپلواک انسان په څیر په ټولنه کې

که د بشري ټولني تاریخي اړخ ته څیر شو نو د تاریخ یوه ستره برخه د مورواکي یا مادرسالاري په نامه یادېږی چه په هغې دورې کې اقتصادي واک تر ډیر حده د بنځو په لاس وه. یعنی دا چه د بزګري، معماري او ټولو کارونو فعالیتي بنځې وې او هغې دورې ډیر کلونه دوام وکړ. تر څو چه د کار لومړنی طبیعي ویش یعنی هغه ویش چه د جنس او سن پر اساس په طبیعي توګه موجود وه له منځه ولاړل او د کار دوهم ویش منځ ته راغی. دا ویش د طبقاتي نظام سریزه وه چه د هغه پر بنسټ ورو ورو بنځې له بزګري او داسې نور کارونه چه تر سره کول گوښه کړل شوي او صرف د ماشومانو روزل او د کور کارونه هغوی ته وسپارل شوه. نو دلته وه چه بنځې نه اقتصادي خپلواکي واخیستل شوه او نرواکي نظام منځ ته راغی او بنځه په دوهمه جنس بدله شوه. په دغه اساس په بنځې باندې د کړاونو بنسټ د طبقاتي ټولني پیل وه.

حتی هغی بنځي چي د لاس پوځي رژيم کي هم په لوړو پوړونو کښي دنده ترسره کوي خو بيا هم دنارینه ترسيوري او واکمني لاندې ژوند کوي. له پورتنی کرښو څخه دا نتیجه اخلو چه نسبی اقتصادي خپلواکي او تحصیل او لوړ دولتي پوستونه نشي کولای چه بنځه په حقيقي ډول واکمنه او خپلواکه کړي. ترڅو چي دا نړيوال نظام اودا نړيوالي اړيکي چي ټولې د بنځي په ضد دی موجود وي دا کړاوونه هم دوام ولري. يوازنی لار د دغه نظام پر ضد په ملی او بين المللی هغه مبارزه ده چه دا نظام له منځه يوسی او يو انسانی نظام چه د آزادی او مساوات بر بنسټ ولاړ وی منځ ته راوړي.

ژوند وکړی. دلته دبنځي واکدار نارینه دی ولي چه ټولنه نرواکي ټولنه ده. نو پدې اساس بد ورکول، ولور اخیستل، کونده میراث گڼل او په زورزیاتي سره واده کول زموږ دټولني يوه برخه گرزیدلي. په افغانستان کي دبنځو داغمیزه او ناوړين څو اړخونه لري. بنځي په دغه جغرافيايي محدوده کي له راز راز ستونزو څخه کړیدلي په کلیو او بانډو کي د پلار، ورور او میره له لاسه په کورونو کي بندياتي شوي دي او د هغوی په لاسونو او پښو کي د رسمونو ولچک او زولني پرتي دي. په ښارونو کي که څه هم ځيني بنځي داقتصاد له پلوه يو څه خپلواکي دي خو بيا هم دخپلو خولود پایلي پوره واک نلري.

له میرمن آرزو څخه مننه.

هو په دغه جغرافيايي محدوده کي بنځه له راز راز ستونزو څخه کړیدلي په کلیو او بانډو کي د پلار، ورور او میره له لاسه په کورونو کي بندياتي شوي دي او د هغوی په لاسونو او پښو کي د رسمونو ولچک او زولني پرتي دي.

مودايم تپ موشي ده جنگي ديگرو

سرمو ادد کده قت سنگ ديگرو

اگه غيرد بوده ده شیر آبي

وطن ره بور کني از جنگي ديگرو

دراين قسمت از محفل خواهرمان شایسته جان شعر را آماده نموده خدمت شما تقدیم مینمایند

آتنگ دیگرو

شایسته

مودایم تب موشی یده جنگ دیگرو
سرمو عادت کده قد سنگ دیگرو
تاتیس ره آر قدر منده ده یاد مو
وضو قد خو کدی ده بنگ دیگرو
کجایه شوق و اوماغ و خوشی مو
سوجی مو بوره ده آتنگ دیگرو
وطن آر خیل که دشت بیگانه چور کد
مو غیرت تو موشی ده ننگ دیگرو
اگه روشن نشو نه منزل و و رای مو
ده دشت میله الاغ لنگ دیگرو
نمیتنی روش بدی خوبی خود خو
چیمای موکوره ده خگچنگی دیگرو
لبای رنگ سرخ شو لبید خود خو
ناقی مو ملی موندی ایل رنگ دیگرو
ده رنگ خو خو آر گل خوشنمایه
بلی خو تید نکنید از رنگ دیگرو
اگه غیرت بوده ده شیری آبی
وطن ره بورکنی از چنگ دیگرو

تشکر از خواهر مان شایسته جان

درون صخره های سخت و پهنای بیابان ،
 و در آغوش توفانهای درد آگین و یاس آور
 و یادر بستر گلهای رنگارنگ فرحترا
 درین گیتی ،
 از آن کوزشت یا زیبابود
 حتی میتوان انکار کرد اما نشاید کرد مادر را
 ازان رومی ستایم من ترا مادر
 توای ، پروردگار اولین حماسه های زندگی سازم
 توای ، آموزگار قلب من هرگز
 زلوح خاطر م احساس گرم اشک سوزانت نخواهدرفت
 و روح سرکشم از پهنه عصیان
 فرود آرد سراندر پیشگاه مهری پایان تو تازنده ام مادر
 و مادریا...
 بیا یک لحظه در معراج هستی بخش انسانها
 و بشنواین پیام خلق را کز جمله مادرها
 درین کشور و در هر گوشه دنیا
 نخواهد گواه جز فرزندهای انقلابی را
 وای مادر
 من اینرا خوب میدانم
 که در آینده مادرها
 به فرزندان شان آموزش پیکار خواهند داد
 ولی ، آیا
 توهم این کار را با جهد خواهی کرد؟
 آری
 من اینرا خوب میدانم...

در این قسمت از گروه سرود خواهشمندیم تاروی ستیز شریف آورده سرودی را که آماده نموده برای شما حضار گرامی هدیه نمایند.

روزگار آتش

موی من خاکستری از گیرودار آتش است
 اشتعال من ز موج این شرار آتش است
 از محیط خویش الهامی بگیرم من یقین
 تا که میبندم به کشور روزگار آتش است

دشمن انسان اگر در داده جنگی را کنون
 دامن او هم بچنگ کردگار آتش است
 خوی من چون آتشین باشد مزاجم مشتعل
 چیست جرم من بگوگر جان سوار آتش است

نرم نرمک میزنی آبی به روی آتشم
 این بخار آب هم بنگر که یار آتش است
 دود آهی مردم مظلوم واشک بیوه زن
 راست پرسی منبع این بیروبار آتش است

از دم تیغ و پنداران سر در کف ببین
 چهره آغشته در خون این نگار آتش است
 همت والای مردم را بنام کین زمان
 خصم کو پیکر، خودش در حصار آتش است

بر سر این خلق افغان بس ستم ها میکند
 غول سرمایه که بر دوشش دو مار آتش است
 باگذشتن از سرو مال و زفامیل خودی
 اندرین رزم هر مبارز ازدهار آتش است



از گروه سرود جهانی سپاس

در بطن ستم عمری بسر بردم و اینک
 با مشت گره کرده و با عزم شکستن
 دنیای پر از جبر و پر از ظلم کهن را
 بنیاد ستم را
 بر میکنم از ریشه که عمرش بسر آید
 دیگر نبراید

بافکر نو و طرح نو، اندیشه عالی
 دنیای نوین برجایش کنم ایجاد
 دهقان ستمکش شود از بندگی آزاد
 تا خنده شود بار دیگر مونس مردم
 باموج ترنم
 هر سفره پر از نان شود و فقر شود گم
 با خوشه گندم
 دنیای ستم گم شود از ریشه و بنیاد
 دهقان شود آزاد
 میهن شود آباد

حالا از خواهرمان فروغ جان تقاضامندم مقاله ای را که تهیه نموده به سمع شما عزیزان برساند.



چرا زنان جنس درجه دوم محسوب میشوند؟

فروغ

زنان را به جنس درجه دوم تبدیل نموده است. زنان آزادیخواه می گویند زنان نیز مانند مردان دارای مغز و استعداد های خلاق اند. این سیستم منحوس است که زنان را از همه چیز عرصه های زندگی محروم نموده است. امروز زنان از روی غریزی حس می کنند که به اشکال و انواع گوناگون و با حيله و نیرنگ از سوی نیروهای ارتجاعی و سیستم منحط شان دچار قید و بند گردیده اند و به وضعیت پست تر رانده شده و جنس درجه دوم قلمداد می شوند. این زنان باید دقیقاً درک نمایند که این وضعیت چه قسم بوجود آمده و به چه شکلی میتوان آنرا از میان برداشت. اکثریت عظیم زنان کشور ما نمی دانند که قبل از پیدایش طبقات این وضعیت اسفناک برای زنان وجود نداشت. زنان و مردان از حقوق مساوی برخوردار بودند، زمانیکه جامعه طبقاتی ظهور می کند زنجیر بردگی بر دست و پای زنان پیچیده می شود و زنان به برده مردان تبدیل می گردد. زنان باید این نکته را به خوبی درک کنند که زیر دست بودن زنان به استعمار کشیدن گارگران و توده های زحمتکش و تبعضات نژادی، جنسی و ملیتی که امروز از طرف عده قلیل مشتم خاین و میهن فروش اعمال میگردد همه وابسته به طبقات ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی است. در شرایط کنونی هستند زنانی که اشغالگران امریکایی و رژیم پوشالی حامد کرزی را به دوران حکروایی جهادی ها و طالبان

امروز همه و به خصوص مردم افغانستان بخوبی میدانند که ما در یک دوره پر از تنش و نا آرامی های فزاینده زندگی می کنیم. این تنش ها و نا آرامی های فزاینده مربوط به اشغالگری و تجاوز امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا در کشور ما می باشد. این تنش و نا آرامی در شرایط کنونی نه تنها دامنگیر افغانستان بوده و هست، بلکه این تنش ها و نا آرامی ها در اثر تجاوزات و مداخلات مستقیم امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا دامنگیر کشور های عربی نیز شده است. و حتی کشور پاکستان بهترین یاور امپریالیزم یانکی نیز از این گزند بی نصیب نمانده است که نفرت و انزجار توده های مردم روز به روز نسبت به امپریالیستهای یانکی و رژیم های پوشالی دست نشانده مثل رژیم حامد کرزی شدید و شدید تر می گردد. این موج ناخشنودی در کشور ما در قالب تظاهرات، اعتصابات و تحریم انتخابات مضحکه به خوبی خود را نشان داده است. به همراه این موج ناخشنودی و ستیزه جویی روحیه آزادیبخش زنان کشور ما نیز دوباره رو به غلیان است. پیشتر از جنبش های آزادیبخش زنان جوانی اند که سنت های دست و پاگیر خانه و خانواده که زندگی زنشویی را طبق احکام و قوانین رژیم های پوشالی محدود نموده زیر سوال می برند. این زنان با صدای رسا اعلام مینمایند که زنان از جنس درجه نبوده، بلکه سیستم رژیم های فرتوت مردسالاری است که

و آزادیخواه می گویند که اشغالگران و رژیم حامد کرزی نه میخواهند و نه میتوانند که حامی آزادی زنان بوده و آنها را از قید اسارت و بندگی برهاند، بلکه بیشتر زنجیرهای ستم را بردست و پای شان محکم می نمایند و قوانین ساخته و پرداخته شان بیانگر این مدعاست. زنان تسلیم طلب به خوبی آگاهند که در پارلمان رژیم پوشالی اصلا نظرات زنان به هیچ گرفته می شود و هیچکس به نظرات شان ارزشی قایل نیستند، چه رسد به دیگر زنان جامعه ما. موعظه های زنان رفرمیست فقط به خاطر اغفال زنان ستمدیده و خوش خدمتی به درگاه رژیم پوشالی است. باید این چهره ها را افشا نمود در شرایط کنونی که کشور در تسلط اشغالگران قرار دارد، آمار خودسوزی و سوزاندن زنان توسط شوهر و یا پدر در افغانستان بالاترین ارقام در جهان را نشان می دهد. به همین ترتیب بالاترین آمار در جهان تجاوزات جنسی در افغانستان است. از ازدواج های اجباری و شوهردادن دختران با مردان بزرگسال میگذریم. طبق گزارش کمیسیون "مستقل حقوق بشر" افغانستان در ظرف شش ماه امسال ۲۴۳۹ قضیه خشونت علیه زنان ثبت شده است. طبق اعتراف این کمیسیون اکثریت خشونت ها علیه زنان به آنها گزارش داده نشده و نمی شود و به همین ترتیب این کمیسیون معترف است که خشونت علیه زنان امسال نسبت به سال گذشته دو برابر شده است، تا زمانیکه این سیستم وجود داشته باشد و افغانستان در تسلط امپریالیستها باشد، علاوه بر اینکه برابری حقوق میان زنان و مردان امکان پذیر نیست، بلکه روز به روز به شدت و حدت آن می افزاید. برای برقراری حقوق برابر میان زنان و مردان فقط و فقط یک راه دارد، آنهم بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده شان و استقرار حکومت دمکراتیک نوین. برای این کار زنان باید دست به دست هم داده، متشکل شوند و به صورت یک گروه فشرده دوشادوش مردان مبارز و انقلابی به حرکت درآیند و با پشتکار این مبارزه را ادامه دهند.

مقایسه می کنند و به این نتیجه غلط می رسند که رژیم حامد کرزی و امپریالیستهای اشغالگر آزادی را برای زنان به ارمان آورده است! این ها زنانی اند که در میان بد و بدتر گیر کرده و از میان بد و بدتر یکی را انتخاب می کنند. هرگاه دو شی ناپاک را با هم مقایسه کنید، حتما یکی از آنها ظاهرا یک ذره پاکتر به نظر می رسد. چنین نظرات و مقایساتی کاملا از ریشه غلط است. و حلال مشکلات نیست. بحث های نابرابری جنسی را نمی توان بصورت مقایسوی رژیم های فرتوت و پوسیده به میان کشید، باید ریشه های تاریخی و اقتصادی آنها نمایان ساخت. همانطوریکه گفته شد قبل از برقراری سیستم کنونی جامعه ای که ما در آن قرار داریم، جامعه ای به گونه کاملا متفاوتی وجود داشت. آن جامعه (جامعه بدوی و بدون طبقه) بر اصل دمکراسی درست و برابری کامل از جمله برابری مرد و زن استوار بوده است. در آن جامعه نه ستم جنسی وجود داشت و نه هم ستم طبقاتی. منشا کلیه ستم ها طبقات است، تا زمانیکه جامعه بر چنین سیستمی استوار باشد، امکان برقراری حقوق کامل و به خصوص برابری میان زن و مرد غیر ممکن است. هرگاه خواسته باشیم که دمکراسی اصیل و برابری حقوق میان زن و مرد برقرار کنیم باید به طور جدی و پیگیر علیه ستم طبقاتی مبارزه نماییم. مبارزه با ستم طبقاتی بدون مبارزه با ستم امپریالیستی چیزی بی معنا است. زیرا در جامعه طبقاتی کلیه اشکال ستم به ستم طبقاتی گره خورده است و به همان ترتیب ستم طبقاتی با ستم امپریالیستی پیوند تنگاتنگ دارد. امپریالیستها در سطح جهانی حامی منافع طبقات حاکم ارتجاعی بوده و از قلدرمنشان حمایت نموده و میخواهند جوامع را به شکل طبقاتی آن سرپا نگهدارند. لذا کلیه اشکال ستم به ستم امپریالیستی گره خورده است. بدون بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی نه برابری درکار است و نه هم دموکراسی به معنی واقعی آن. زنان رفرمیست، تسلیم طلب که در کنار رژیم پوشالی و امپریالیستهای اشغالگر ایستاده اند موعظه می کنند که اشغالگران و رژیم پوشالی حامد کرزی میتواند "آزادی" را برای زنان به ارمان آورند! اما زنان آزاده



تشکر از فروغ جان

من ای دخت دلیر و قهرمان خلق میدانم
که زنجیر اسیران ستم مردانه بشکستی
و با آهنگ رقص، آتش اندر کاخ دد خویان این مأمَن
بپاس رنج مردم - اخگر افگندی
خواهرم بیدار شو تقدیر دنیا دست توست

دفن کن دیروز را آغاز فردا دست توست
گرچه تا امروز هم بستت دست و پای تو
موج طوفان خیز مردم مثل دریا دست توست
دشمن خونخوار ما ترندها دارد مگر
صخره سنگ مرگ دشمن کوه بابا دست توست
داده نا مردان به دشمن خاک میهن را اگر
سنگر هر کوه و دره، دشت و صحرا دست توست
زندگی را در اسارت سر نمودن ذلت است
پاره کن زنجیر را دست توانا دست توست

اینک خواهران خوشی جان شعر در رابطه به زن تهیه نموده خدمت شما تقدیم مینماید.

زن

هنوز آن بی صدا و بی زبان و بی گپی خواهر؟
به روی صخره ها سر زن و طوفان همچو دریا کن
گلویت چشمه ای فریاد را هم منگ می گیرد
تو آن عنقای آزادی بیا پرواز کن خواهر
تو کوه موج های نوری در روزن نمی گنجی
تو در نان و کباب روی دستر خوان نمی گنجی
تو آن سیلاب فریادی، که تا امروز خاموشی
که از نخها بیرون آبی، و از سوزن، زمانش نیست؟
اسیر بغض های ننگ و غیرت تا بکی خواهر؟
بکام مرد سالاری تو غارت می شوی خواهر
قدم بر پله های واقعی بی زندگی بگزار
بیا و رایت پر خونی، ملالی وار بر سر کن
که از خون مایه ها دارند، یک تصویر دیگر کن
بیا خوکان زن خواران دیگر تنها شکار توست
بیا و قله های هستی بی خود فتح کن ای زن
که در تاریخ انسانی همین مسئولیت از توست

هنوز از نسل پیدا گشته بی دست چپی خواهر؟
گلویت صاف کن، آواز خود را آشکارا کن
اگر نه، خواهرم روی زبانت زنگ می گیرد
بیا رکبار از فریاد خود آغاز کن خواهر
تو در سیر و پیاز و آتش گلخن نمی گنجی
تو در دیوار زندان های این و آن نمی گنجی
تو آن انبار از حرفی که چندین قرن سرپوشی
نمیخواهی که یک آزاده باشی، زن، زمانش نیست؟
تکان بر دست و پایت ده اسارت تا بکی خواهر؟
تو در قرن چینی هم تجارت می شوی خواهر
بیا، گامی بیرون از چار چوب بندگی بگزار
بیا و آنچه داری بعد از این بر خویش باور کن
بیا و گام خود با گام آن مردان برابر کن
بیا چشمان زن در شهر وده در انتظار توست
بیا کمتر ز رنگ چشم و ناخن مدح کن ای زن
تو میتوانی و باید بشکنی زنجیر ذلت را

تشکر از خواهران خوشی جان.

آفرین برادر مردی که آفت بیداد بود
پادشاهان را زقید بندگی آزادبود
دادمردی داد، پیکار با ارباب جور
زانکه بردوشش لوای اعتلای دادبود
بوسه بردست شه خود سرنزد لیکن به رزم
باشهامت بوسه زن بر خنجر پولاد بود
آبروی خصم آتشخوی را بر خاک ریخت
آنکه عزمش همچو کوهی در مسیر باد بود

حالا از برادر مان نصیر جان تقاضا مندم تا مقاله خویش را به سمع شما عزیزان برساند

چگونه زنان فرودست شدند

(نصیر)

مختلف از دیگر زنان کامجویی میکنند. با آغاز سرمایه داری و پیدایش طبقه کارگر، سرمایه داران بخاطر سود بیشتر زنان را وارد کار اجتماعی نمودند. در این زمان بهره کشی از زنان دو ویا حتی سه برابر مردان بوده و هست. امروز که شمار زیادی از زنان بیرون از خانه کار میکنند. هنوز بارسنگین کارهای خانه و مسولیت ها را بردوش می کشند. این زنان در چنین شرایطی از دو ستم رنج میبرند، یکی ستم کارفرما و دیگر ستم مرد سالاری.

امروز اشغالگران امپریالست داد و فریاد راه انداخته اند که به افغانستان بخاطر "آزادی" زنان آمده اند. این یک دروغ محض و عوام فریبانه است، زیرا آزادی تحفه ای نیست که از طرف اشغالگران و رژیم پوشالی به زنان هدیه گردد، این آزادی از طریق مبارزه جدی و پیگیر زنان به منظور راندن نیروهای اشغالگرو سرنگونی رژیم دست نشانده و ایجاد جامعه دموکراتیک نوین بدست می آید

تا زمانی که جامعه به طبقات ستمگر و ستمکش تقسیم شده باشد، آزادی معنی و مفهوم طبقاتی دارد، همانطوریکه دموکراسی این مفهوم را با خود حمل میکند. در چنین جامعه ای اشغالگران نه حامی آزادی زنان اند و نه میتوانند و نه میخواهند که زنان را از قید اسارت برهاند، بلکه حامی طبقات و نیروهای مرتجعی اند که ستم بر زنان را برسمیت می شناسند و این ستم را به شکل قانونی ان در آورده اند. زنان مبارز و انقلابی که پیش تازان جنبش آزادی زنان اند به خوبی درک نموده اند که زنان هیچگاهی به آزادی نمیرسند، مگر اینکه ستم طبقاتی از میان برداشته شود. در شرایط کنونی جامعه ما از بین بردن ستم طبقاتی بدون بیرون راندن نیروهای اشغالگرو سرنگونی رژیم پوشالی امکان پذیر نیست. برای این کار از همه اولتر بردن آگاهی میان زنان و بسیج شان الزامی است. آنگاه زنان مبارز دوشادوش مردان انقلابی میتوانند که از طریق مبارزات جدی و پیگیر یعنی از طریق مقاومت ملی مردمی و انقلابی اشغالگران را از کشور بیرون رانده و رژیم پوشالی زن ستیز را برزیر کشیده و جامعه ای که حقوق برابر میان زنان و مردان را به رسمیت میشناسد مستقر نمایند.

به پیش در راه بسیج زنان

زنده باد آزادی

هرگاه بخواهیم این موضوع را از لحاظ تاریخی - اقتصادی بررسی کنیم، این نتیجه بدست می آید که قبل از جامعه ای که ما فعلاً در آن زندگی میکنیم، جامعه ای وجود داشت که در آن هیچگونه تمایز و اختیلافات جنسی وجود نداشت. در آن جامعه زن نقش تعیین کننده داشت و رهبری فرهنگی و تولیدی جامعه در دستش قرار داشت. در آن جامعه هیچگونه محدودیتی از طرف مردان به آنها ایجاد نمیگردید. آن جامعه بر پایه حقوق مساوی میان زنان و مردان که یکی از آنها برابری جنسی بود بنا شده بود. در آن جامعه ازدواج به معنی همزیستی زوجی یا خانواده دونفره وجود داشت نه تک همسری. در آن جامعه چون زن عضو تولید کننده اقتصادی بود، نیازی به نقش ابزار حمایتی شوهرش نداشت. آن جامعه مادر سالاری بود. با آغاز جامعه طبقاتی و مالکیت خصوصی این آزادی از میان رفت و زنان به بردگان و اطاعت کنندگان مردان تبدیل شدند. هم پای آغاز جامعه طبقاتی زنان به اندرون خانه کشیده شدند و از کار تولید در جامعه برکنار ماندند و استقلالیت خویش را در حوزه اقتصادی از دست داده و محتاج نقش شوهر به عنوان ابزار حمایتی گردیدند. ازدواج های امروزی نیز همین معنی و مفهوم را میرساند. با ایجاد طبقات و مالکیت خصوصی زن دیگر جز مایملک مرد به حساب آمد و مجبور گردید که تمام تن و روان خود را در اختیار مرد گذارد. زنان با این ازدواج کنترل خویش را بر بدن و ذهن از دست داد، زیرا دیگر او جز مایملک شوهری بود که تصمیم اصلی را او میگرفت و زن مجبور بود تا تصمیم شوهر را عملی سازد. این ویژه گی ها نشان میدهد که عقل و هوش او دیگر پرورش نیافت و از نظر فرهنگی نیز صدمه دید. به این ترتیب زنان کنترل سرنوشت خود را از دست دادند و حتی از کامروایی جنسی و زندگی پر مهر شوهر نیز محروم شدند، زیرا با آغاز ازدواج تک همسری زنان با قانون سختگیرانه ای روبرو شدند با کوچکترین حرکت مخالف خواست شوهر به تنبیه بدنی روبرو می شدند. این تک همسری فقط برای زنان بود و برای مردان هیچگونه محدودیتی را در بر نداشته و ندارد. مردان آزادانه میتوانند و می توانند با دیگر زنان معاشرت نمایند و حتی همزمان دارای چندین زن "قانونی" باشند. در جامعه ای که ما در آن زندگی می کنیم به خوبی دیده می شود که زنان اعم از طبقات بالا و پایین در رنج اند. مردانیکه دارای توانمندی اقتصادی اند به مباشرت به دیگر زنان رجوع مینمایند و به انواع و اشکال

از برادر مان نصیر جان تشکر

بلی تا زمانیکه جامعه به طبقات ستمگر و ستمکش تقسیم شده باشد، آزادی معنی و مفهوم طبقاتی دارد، همانطوریکه دموکراسی این مفهوم را با خود حمل میکند.

دلم انگه شود آرام گیرد
 ز سبکم نسل نو الهام گیرد
 گروهی با هنر در سیر تاریخ
 زمن با نیک نامی نام گیرد

حالا خواهر مان نادره جان اختیاری شعری را که آماده نموده به سمع شما میرساند.



شعر از سارا

گاهی ضعیفه، گاهی سیاه سر شدی چرا؟

گاهی به جنس هرزه برابر شدی چرا؟

چاقو کشان عصر حجر را به سادگی

دمساز و هم ترانه و همسر شدی چرا؟

باغیرتان تازیانه به دست سخیف را

با عشق مادرانه یی، مادر شدی چرا؟

مردان زن ستیز رذالت سرشت را

در کوچه های حادثه خواهر شدی چرا؟

ملا و شیخ و شحنه و شیاد و شاب را

بی هیچ ترس و وا همه دلبر شدی چرا؟

بی زن همیشه جامعه مرد، مرده به

نامرد را شگوفه احمر شدی چرا؟

هر اجتماع بدون تو زشت است و ناپسند

هم مسلک و شریک ستمگر شدی چرا؟

آزادی را به نرخ تنت باج می دهد

سامان انحصاری چادر شدی چرا؟

تقدیر خود به دست قدیرت رقم بزن

ابزار دست مرد جفاگر شدی چرا؟

دلارامم ، به پایم دام کردند
دل طغیانگرم ، آرام کردند
به جرم زن بودن مردان جاهل
مرا بدنام خاص و عام کردند

صدای جنس زن فریاد کردم
دلهم را با سرودن شاد کردم
به موسیقی ناب سرزمینم
ره و سبکی نوی ایجاد کردم

دمی که قریه ها لبریز غم بود
زمستان صحنه ی درد و الم بود
تسلای دل غم دیده ی من
دوتار و کاغذ و شعر و قلم بود

حضور سبزه ها سبز از دوتارم
غم ناگفته ی یار و دیارم
و حالا مهر بر لب دل پر از درد
اسیر غصه های روزگارم

دوتارم پرده های ساز دل بود
غزل های ترم آواز دل بود
سر انگشتان افسون ساز و تارم
همیشه عاشق و دمساز دل بود

بلند پرواز و عصیانگر دل من
غزل پرداز و غوغاگر دل من
اگر چه غنچه را با تیر بستند
نکرد پاییز خود باور دل من

دلهم آنکه شود آرام گیرد
ز سبکم نسل نو الهام گیرد
گروهی با هنر در سیر تاریخ
ز من با نیک نامی نام گیرد

اگر رفتم دوتارم هست باقی
نوای دل شکارم هست باقی
صدای عشق دایم پایدار است
فقط این افتخارم هست باقی
شعر از ناصر نادر
تشکر از خواهرمان نادره جان.

هرگز دل ماز خصم در بیم نشد
در بیم ز صاحبان دیهیم نشد
ای جان به فدای آنکه پیش دشمن
تسلیم نمود جان و تسلیم نشد

بازهم از گروه سرود تقاضامندم که روی ستیز تشریف آورده و سرود تهیه خویش را به شما تقدیم نماید.

عصیان

که در دل قصه ناگفته دارم
که ازین سودا دلی آشفته دارم

بیا بگشای درهای قفس را
رهاکن دیگرم این یک نفس را

به سراندیشه پرواز دارم
به حسرتها سرآمد روزگارم

مگو ننگ است این شعر تونگ است
فضای این قفس تنگ است، تنگ است



به لب هایم مزین قفل خموشی
زیایم باز کن بند گران را

بیا ای مرد، ای موجود خود خواه
اگر عمری به زندانم کشیدی

منم آن مرغ، آن مرغی که دیر است
سرودم ناله شد در سینه تنگ

ولی ای مرد، ای موجود خود خواه
بر آن شوریده حالان هیچ دانی

با تشکر از گروه سرود

پیام بهار

عروس صبح می خیزید
نسیمی از فراز دره های دور
بسان رهروی سرمست می آمد
وبا خود
هدیه کهسار - عطر تازه گلهای وحشی را
برای نو عروس صبح می آورد
ودست صبحگاهان
چهره زنگار شب را با لعاب روشنی می شست
درانجا ، در میان کشتزاران
دل برزیگران بیتاب و نخل آرزوشان پر گل امید
و چشم و جان براه نوبهارانی که می آمد
ورعد پرطنینش شعله - فرمان رستاخیز می آورد
عروس صبح می خیزید
نسیمی از فراز دره های دور
بسان رهروی سرمست می آمد
وبا خود
هدیه کهسار - عطر تازه گلهای وحشی را
برای نو عروس صبح می آورد
پیام نوبهار رزم در گوش جهان میگفت
که پیکار نوین خلق آهنگ طرب دارد

در این قسمت از محفل از خواهران زحل جان تقاضا مندم تا شعر تهیه شده اش را خدمت شما تقدیم نماید.

به بستر جوانی اندوهبار من
 عمری غبار تیره حرمان نشسته بود
 مرغ شکسته بال و روان فسرده ام
 از شاخسار خرمی الفت گسسته بود

x

امید روشنی ده اندیشه های من
 راهی بسوی روشنی روزها نداشت
 دردشت سارهای عطشناک خاطر م
 چیزی به جز سراب فریبنده جانداشت

x

یک شب که ابر ظلمت و افسون ناکسان
 پوشیده بود پهنه این کوهسار را
 آن شب سپهر غمکده ام بی ستاره بود
 می سوخت آتش، این دل اندوهبار را

x

ناگه برون شد از دل ویران روستا
 موج غریبش زدر آزمای خلق
 در آسمان روح من آنکه، دمیده بود
 خورشید سرخ و اختر مهر آشنای خلق

x

اینک من و امید فروزان زندگی
 رزم و ستیز و جنبش و توفان انقلاب
 اینک من و امید به فردای توده ها
 فردای سرخ و عصر شگوفان انقلاب

تشکر از زحل جان!

در این قسمت از محفل خواهران عاطفه جان قطعه نامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان را به خوانش میگیرد. محفل
 مانیز با قرائت قطعه نامه دسته هشت مارچ زنان افغانستان به پایان میرسد و از شما حضار گرامی که تا این لحظه ما را
 همراهی نمودید جهانی سپاس.

قطعه نامه

بیش از ده سال از حمله امپریالست ها به رهبری امپریالیزم امریکا و سرنگونی امارت اسلامی طالبان می گذرد. این یکدهه گذشته کوتاه بینی کسانی را به نمایش می گذارد که پایان "امارت اسلامی طالبان" را آغاز دموکراسی، آزادی و بخصوص آزادی زنان از قید اسارت طالبان می پنداشته و می پندارند. امپریالیستهای اشغالگر شعارهای کاذبانه مبارزه "علیه توروریزم" و "آزادی زنان" از قید اسارت طالبان را روپوشی برای تهاجم و تجاوز به افغانستان ساختند یک عده از عناصر میهن فروش و تسلیم طلب زیر این بیرق خزیده و تجاوز امپریالیستها را به فال نیک گرفته و آنرا (بارقه امید در چشمان اشک بار ملت) افغانستان خواندند بخاطر منافع اشغالگران و رژیم پوشالی شعارهای کاذبانه امپریالیستها را به اشکال گوناگون به توده های زحمتکش و بخصوص زنان ستمدیده افغانستان توجیه نموده و می نمایند در حالیکه امپریالیستهای اشغالگر و رژیم پوشالی اش نه خواهان آزادی زنان اند و نه میتوانند زنان را از قید اسارت آزاد سازند، زیرا آزادی زنان در گیرولغومالکیت خصوصی است.

محققین و علما در آثار متعددی که به جا گذاشته اند، اثبات نموده اند که پایه بردگی زن علل اقتصادی - اجتماعی دارد، وزیر دست بودن زن از روزی بوجود آمد که مالکیت خصوصی پا به عرصه وجود گذاشت. این پیش آمد از یکسوزن را وابسته به پدر وشوهر نمود، و از طرف دیگر صحنه به بردگی اجتماعی او گذاشت. زن برده، دهقان، قابل خرید و فروش و بعد پرولتر شد تا زمانیکه این علل اقتصادی - اجتماعی که زن را فرو دست نموده از بین نرود، آزادی زنان امکان پذیر نیست.

هرگاه با دید بصیرت به تاریخ نگاه کنیم به خوبی دیده میشود که امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا با زن ستیزان هیچ مشکلی به سر آزادی زنان نداشته و ندارند. چنانچه بعد از سقوط شاه ایران از رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی نمود و به همین ترتیب جمهوری اسلامی عراق و جمهوری اسلامی افغانستان نشانه بارزی از زن ستیزانی است که دست نشانده و مورد حمایت امپریالیزم امریکا و متحدینش قرار دارند. روابط امریکا با طالبان زمانی به تیرگی گرائید که طالبان دیگر نتوانسته در راستای منافع امریکا گام بردارد. در شرایط کنونی امپریالیزم امریکا و متحدینش تا زمانی از حامد کرزی حمایت می کند که بتواند منافع شانرا تامین کند، در غیر این صورت مهره را تغییر داده و زن ستیزی را بر چوکی دست نشانده می خواهد نشاند که صدمرتبه از حامد کرزی زن ستیز تر باشد.

امپریالیزم امریکا خواهان یک رژیم کاملاً اسلامی گوش به فرمان و مطیع در افغانستان است، تا بهتر بتواند جنبش های آزادبخش و بخصوص جنبش زنان را سرکوب نماید و زنان که نیمی از جامعه را تشکیل میدهد مطیع و فرمانبردار ساخته و از خشم و نفرت شان جلوگیری به عمل آورد.

همانطوریکه ستم بر زن منشأ طبقاتی دارد، این ستم به شدیدترین وجهی با ستم امپریالیستی گره خورده است، بدون از بین بردن ستم امپریالیستی نمیتوان به دیگر ستم ها و بخصوص ستم بر زن پایان داد. پس یگانه راه بیرون رفتن زنان از قید اسارت و بردگی بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی میهن فروشان و زن ستیزانی است که در خدمت امپریالیستها درآمده اند.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان برای بهبود وضع زندگی زنان و دیگر اقشار زحمتکش خواهان آنست تا موارد ذیل که از جمله خواست های فوری و دموکراتیک زنان است عملی گردد.

- ۱- اخراج بدون قید و شرط قوای اشغالگر.
- ۲- لغو از دواج های اجباری.
- ۳- لغو نکاح صغیره.
- ۴- تامین حقوق و آزادی سیاسی و مدنی افراد، هر فرد باید حق داشته باشد تا در هر مورد ابراز عقیده نماید.
- ۵- مساعد ساختن زمینه های گوناگون عودت آبرومندانه آورگان به کشور.
- ۶- ایجاد زمینه اشتغال به کارگران. تا مردم زحمتکش کشور ما مجبور نگردند برای بدست آوردن لقمه نانی رهسپار کشورهای خارج شوند.
- ۷- ایجاد زمینه اشتغال به محصلینی که از پوهنتون ها فارغ گردیده و میگردند.
- ۸- تداوم مجانی مریضان در شفاخانه های دولتی.
- ۹- ایجاد شرایط مساعد تحصیلی برای تمامی فارغان صنوف دوازدهم، تحت هیچ شرایط دولت نباید مانع ادامه تحصیل شان گردد.
- ۱۰- ایجاد کودکانستان های دولتی که بودجه آن از طرف دولت پرداخته شود.
- ۱۱- مزد برابر در مقابل کار برابر.
- ۱۲- فرصت شغلی و تحصیلی برای زنان و مردان.
- ۱۳- اشد مجازات برای کسانی که مرتکب تجاوزات جنسی می شوند، انهم بصورت محاکمه علنی.
- ۱۴- محاکمه علنی آنعده کسانی که به خشونت علیه زنان مبادرت می ورزند.
- ۱۵- تساوی حقوق زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.
- ۱۶- روز هشتم مارچ باید به عنوان یک روز قانونی به رسمیت شناخته شود و رخصتی عمومی اعلان شود.

شانزده ماده فوق از جمله مطالب عاجل و دموکراتیک ما است. تا زمانیکه این خواست ها تحقق نیابد ما به مبارزات خود ادامه میدهیم. خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در امر انقلاب رها کنید.

زنده باد آزادی

دسته هشت مارچ زنان افغانستان (۱۸ حوت ۱۳۹۰)

تحلیل یک مناظره تلویزیونی

پلوشه:

وضیعت را تغییر بدهم. در ختم بحث تمام کارشناسان به این نتیجه رسیدند که در طول تقریباً ۴۰ سال احزاب که در افغانستان فعالیت کردند همه و همه بخاطر کسب قدرت بوده و نکته مهم اینکه ما همه آنها را احزاب گفته نمیتوانیم برای اینکه تعریفی که قبلاً از حزب صورت گرفت چنین بود که حزب یک ترکیب ایدئولوژیک - سیاسی است که در خدمت یک طبقه خاص قرار میگیرد و اما اکثر اینها گروه های بودند که ترکیب ملیتی و مذهبی داشتند و فقط برای کسب قدرت تلاش میکردند. و بلاخره بحث در همینجا به اتمام رسید اما در واقع مسله اساسی اینست که این همه برنامه های عوام فریبانه اند که از طرف کارشناسان سیاسی و اعضای پارلمان به همکاری رسانه ها براه انداخته میشوند تا اذهان مردم ستمدیده ما را مشوش سازند و این احزاب که در تحت چتر اشغالگران فعالیت میکنند و قانون اساسی ساخته و پرداخته اربابان شان را قبول کرده پس چطور میتوانند برای مردم ما خدمت کنند و همچنان زنان خابین پیشه بی که در پارلمان عضویت دارند در اصل برای زنان هیچ کاری کرده نمیتوانند چون اینها منافع اربابان شان را تامین میکنند نه از مردم عام این دیار را.

درینجا باید از خانم شینکی پرسید که شما چطور سیاسی شدید؟ آیا شما مافوق همه زنان افغانستان قرار دارید و نابغه هستید؟ شاید خانم شینکی جواب بگوید که من هم سیاسی نیستم! اگر چنین سخنی برایتان نماید خنده آور است. زیرا از یکطرف عضو قوه مقننه است که یک رکن از سه رکن رژیم پوشالی است، و ثانیاً خانم شینکی کروخیل حالا فهمیده که حزب سازی چه مزیتی دارد و چقدر میتواند مورد اعتماد اربابان امپریالیستی اش واقع شود. به همین اساس خانم کروخیل برای ایجاد حزب به دنبال پول سرگردان است، تا کدام یک از اربابان امپریالیستی برایش پولی بدهند و وی را کمک کنند تا زنان ستمدیده را با عوام فریبی به دام انداخته، منافع خود و اربابان خویش را تامین نماید. زنان ستمدیده باید آگاه باشند که چنین زنانی هرگز نمیتوانند که پیش کسوتان زنان ستمدیده افغانستان گردند.

زنان مبارز و انقلابی کشور باید با جدیت هرچه تمام تر چهره چنین زنان خیانت پیشه را افشاء نمایند. زیرا اینها بهترین تکیه گاه امپریالیزم در داخل افغانستان هستند. چنین زنانی بهترین نیروی سازشکار و سازش ده زنان با امپریالیزم جهانی است و باید آگاه بود هیچ وقت زمانی که به چوکی های بلند دولتی کشیده شده اند نمیتوانند در جهت رهائی زنان از قید اسارت

به تاریخ ۵ سنبله سال ۱۳۹۰ مناظره با همکاری یکی از تلویزیون ها در تالار لیسه رابعه بلخی به راه انداخته شده بود و موضوع بحث نقش احزاب سیاسی در افغانستان بود. مهمانان که دعوت شده بودند وحید مژده کارشناس مسایل سیاسی، غفورلیوال نویسنده و شینکی کروخیل نماینده مردم در پارلمان و یک هیت از وزارت عدلیه. گرداننده برنامه هارون دهبازده رییس رادیو نوا بود.

بحث طوری آغاز شد که در ابتدا چون موضوع نقش احزاب بود تعریف کوتاه حزب از طرف وحید مژده صورت گرفت و به همین ترتیب تمام مهمانان روی نقش احزاب و فعالیت های سیاسی صحبت کردند و در اخیر گرداننده برنامه از خانم شینکی پرسید که شما در این مورد چه می گوید؟ خانم شینکی گفت در شرایط فعلی که اکثر افراد و اشخاصی که در پارلمان آمده اند از طرف بعضی احزاب بوده و یا هم رهبر یک حزب هستند که متأسفانه زنان در این جریانات شامل نبوده و من خیلی آرزو دارم که در آینده نزدیک زنان هم به رهبری احزاب وارد پارلمان شوند. بعداً به سوالها وقت دادند و تعداد زیادی از حاضرین سوالهای شان را با مهمانان مطرح کردند. در بین اشتراک کننده گان یک خانم از شینکی پرسید که شما به حیث وکیل پارلمان و نماینده زنان افغانستان که خیلی ها آرزو دارید که زنان به حیث رهبر وارد صحنه شوند تا به حال شما چقدر برای بلند بردن سطح آگاهی سیاسی زنان کار کرده اید؟ شینکی گفت من به بسیاری ولایت ها افغانستان سفر کرده ام و با زنان زیادی از نزدیک صحبت کردیم. و باز هم از خانم کروخیل پرسیده شد که ملاقات شما با زنان فقط در زمان کمپاین بوده تا آنها رای شان را به نفع شما استعمال کنند یا به خاطر بلند بردن آگاهی سیاسی آنها؟ خانم کروخیل گفت زنان کشور ما خود نمیخواهند که سیاسی باشند در قدم اول آنها باید اهمیت رای را بفهمند. در همین جریان سوال دیگری از خانم کروخیل پرسیده شد. وقتی شما می گوید که زنان کشور ما خودشان نمیخواهند سیاسی باشند اما فراموش میکنید که تا وقتیکه به زنان آگاهی سیاسی داده نشود آنها چطور میتوانند که رای خود را به طریق درست استعمال کنند؟ خانم کروخیل در جواب گفت برای فعالیت سیاسی در قدم نخست نیاز به ایجاد یک حزب است و برای ایجاد حزب نیاز به پول است تا در تمام ولایات افغانستان نمایندگی داشته باشم و ثانیاً نظر به بافت سنتی جامعه نمیتوانم که در تمام کشور فعالیت داشته باشم اما باز هم کوشش میکنم که این

جدی و پیگیر علیه چنین زنانی به منظور منفرد ساختن شان و جدا نمودن زنان ستم‌دیده از ایشان کوشا باشند. یعنی عمده ترین تیرها را باید به خاطر منفرد ساختن متوجه ایشان سازند ، در غیر این صورت همانطوری که تا کنون توانسته اند که یک عده از زنان را فریب دهند و در محور اشغالگران جمع نمایند ، این فعالیت شان دو چندان خواهد شد.

زنان مبارز انقلابی این توانمندی را باید در خود ایجاد کنند که علیه تمام دشواری ها ، مشکلات ، و پرابلم های که مانع کارشان میشود مبارزه نموده و آنها را از سر راه خود بردارند و باید به تمامی زنان این ایده را تزریق نمایند که تمامی وعده های امپریالیست ها و رژیم پوشالی برای آزادی زنان یک دروغی بیش نبوده و نیست. آنها نه خواستار رهائی و نه هم قادر به رهائی زنان اند ، زیرا که منافع شان در ادامه و برقراری مناسباتی است که چنین ستمی را اعمال می نماید. طوریکه اعمال ده ساله اشغالگران نشان داده که آنها بهترین متحد طبقاتی نیروهای مرتجع و عقب گرا اند، این طبقات مرتجع ، خائن ، میهن فروش و متجاوزین جنسی مورد حمایت شدید امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم آمریکا قرار دارند.

کسانیکه درین مناظره تلویزیونی مانند وحید مژده ، غفور لیوال ، خانم شینکی کروخیل و هیات وزارت عدلیه ... گرد هم جمع شده و نقش احزاب را به بحث گرفتند و در اخیر به این نتیجه رسیده که " در طول چهل سال احزابی که در افغانستان فعالیت کرده اند همه و همه بخاطر کسب قدرت " گرد هم جمع شده درست است. اما سوال این جاست که این آقایون مانند داکتر عبدالله ، اتمر ، امرالله صالح ، وحید مژده ، غفور لیوال ... که خواهان ایجاد احزاب جدید غیر از این احزاب می باشند چه چیز در مخیله شان دور میزند به نظر من که هیچ، فقط زمزمه همان نغمه به ساز دیگر است. همه اینها نیز به دنبال قدرت اند. همانطوری که داکتر عبدالله ، اتمر ، امرالله صالح ، علومی ... فرکسیون مخالف رژیم پوشالی دست به تشکیلات جدید زده اند و در انتخابات شرکت نمودند ، اشغال کشور را با نمایش مضحکه انتخابات به اصطلاح مشروعیت قانونی دادند تا به بادر ثابت سازند که برای نوکری از کرسی بهتراند . این آقایون (وحید مژده ، غفور لیوال ، خانم شینکی ...) نیز میخواهند که با ایجاد حزب جدید بهتر به خدمت اشغالگران در آیند و چند روزی عمر امپریالیست ها را در داخل کشور دراز تر نمایند.

مرگ بر امپریالیزم

مرگ بر میهن فروشان

زنده باد آزادی

و ستم جنسی مبارزه نمایند زیرا آنها از جمله کسانی اند که سر به آستان امپریالیزم و رژیم پوشالی خم نموده و از جمله کسانی اند که با مردان در یک صف ایستاده و بر بقیه زنان ستم اعمال میکنند. مگر رئیس شورای امور زنان ولایت بغلان عروس اش را به قتل نرساند؟ هر گاه از خانم شینکی سوال شود درین مدتی که شما در پارلمان حضور داشته و دارید چه کاری را توانستید به زنان انجام دهید، آنرا بیان کنید. دقیقاً که هیچ چیز برای ارائه کردن ندارد.

امروز در افغانستان اکثریت عظیمی از زنان قربانی خشونت اند. تمامی خشونت ها در خانواده اتفاق می افتد. این عمل ناشایست یا از طرف برادر ، یا پدر و یا از طرف شوهر به وقوع می پیوندد. یکی دیگری از خشونت ها علیه زنان ازدواج های اجباری است که به زنان تحمیل می شود. امروز در افغانستان یک دختر را جبراً به مردی میدهند که سه و یا چهار برابرش سن دارد و در بعضی مواقع داماد از پدر دختر مسن تر است. قتل های ناموسی و تجاوزات جنسی توسط قلدنمنشان باری است که بر شانه های زنان سنگینی می کند.

طوریکه از مناظره تلویزیونی مشخص میشود که خانم شینکی کروخیل با زنان زیادی دیدن نموده است. اما این دیدنش نه بخاطر همکاری و همنوایی با زنان یا اینکه بسیج زنان علیه ستم مردسالاری بوده باشد بلکه بخاطر بدست آوردن چوکی و مقام و خدمت و چاکری به درگاه امپریالیزم امریکا بوده و میباشد. چنین زنانی هرگز نمیتوانند که از حقوق زنان ستم‌دیده افغانستان دفاع نمایند زیرا اینها قبل از همه به چاکران امپریالیزم و ارتجاع مبدل گردیده اند.

ستم بر زن نه ازلی و ابدی است و نه هم مافوق طبقات . ریشه های اصلی ستم بر زن طبقاتی بودن آن است. در جوامع طبقاتی طبقه حاکم حسب منافع شان قوانین را طرح میکنند تا کلیه ستم کشان و بخصوص زنان را آرام نگه دارند. تاثیر مواضع طبقات حاکمه بر روی ازدواج نیز اثرات خود را به جا میگذارد. این قواعد روبنائی از پایه های اقتصادی متأثر است. طوریکه دیده میشود این قواعد دراز مدت صورت تقدیس را به خود گرفته که عدول از آن جرم محسوب میشود و گردن نهادن به آن نیک بختی است! طبقه حاکمه نیز حامی این قانون است. زمانی میتوانیم از حقوق زنان ستم‌دیده به دفاع برخیزیم که علیه این قوانین ظالمانه ایستاده و قدسیت آنها بشکنیم. این کار اصلاً از زنان پارلمان نشین و دیگر زنانی که در رژیم پوشالی به چوکی های بلند دولتی کشیده شده اند ساخته نیست و توقع از ایشان نادرست و حتی احمقانه است.

زنان مبارز برای اینکه بتوانند زنان را در جهت اصولی برای نجات شان از بدبختی بسیج نمایند ، باید که در قدم اول مبارزه

مروری بر "مصوبه شورای علمای افغانستان"

منافع اشغالگران را صدمه بزند، این نکات کاملاً نادیده گرفته می شود و هیچگونه ارزش عملی نمی تواند پیدا نماید.

"شورای علما" در مصوبه خویش چنین مرقوم فرموده اند:

"جنایات نابخشودنی و عمل وحشیانه ضدانسانی (توهین به قرآن عظیم الشان) ... را شدیداً تقبیح می نماید... عاملین جنایت مذکور هرچه زودتر بطور علنی محاکمه و مجازات گردند و نیز امریکا و ناتو تضمین دهند تا در آینده کسی جرات توهین به مقدسات مسلمین را کرده نتواند..."

نخست اینکه پاسخ گوئی حقیقی به "جنایات نابخشودنی و اعمال وحشیانه و ضد انسانی" اشغالگران فقط مقاومت و وسیع و سرتاسری توده ها علیه قوای اشغالگر در افغانستان است نه چیز دیگری، منجمله تقبیح خشک و خالی. اینکه "شورای علمای افغانستان" جنایت اشغالگران را تقبیح نماید، هیچ مشکلی از کشور را حل و فصل کرده نمی تواند؛ زیرا منافع این شورا و منافع اشغالگران با هم گرده خورده است. به همین جهت شورای متذکره هیچ علاقه ای به خروج نیروهای اشغالگر نداشته و ندارد.

دوم اینکه "شورای علمای افغانستان" دقیقاً میدانند که در پیمان استراتژیک نظامیان امریکایی در افغانستان از مصئونیت برخوردار خواهند بود، یعنی هر جرم و جنایتی که مرتکب شوند هیچ کس حق محاکمه شانرا در داخل افغانستان نخواهد داشت، بلکه طبق قوانین امریکا و در داخل کشور امریکا محاکمه خواهند شد. از نظر دولت امریکا و قوانین اش سوختاندن کتب دینی حتی انجیل جرم به شمار نمی رود. لذا خواست محاکمه مجرمین کتاب سوزی بانگ بی محلی است که "شورای علما" سر داده است. مجرمین این قضیه نه در افغانستان محاکمه می شوند و نه هم در امریکا.

این عمل عساکر امریکایی نه اولین بار است که از طرف آنها سر زده و نه هم آخرین بار شان خواهد بود. این عمل تا حال چندین بار در سطح جهان حتی در داخل امریکا و زندان گوانتانامو از آنها سر زده و بارها تکرار خواهد شد. خواست ضمانت از امریکایی ها هم حماقت محض است.

در اینجا ضرور است که از "شورای علمای افغانستان" پرسیده شود که آیا شب هنگام داخل شدن به خانه های مردم و تجاوز به زنان و بازرسی زنان توسط سربازان امریکایی، بمباران وحشیانه و قتل عام مردم بیگناه را نمی توان جنایات قابل نکوهش و قابل محاکمه دانست؟

"شورای علمای افغانستان" در مورد زنان نیز موضعگیری نموده است. البته این موضعگیری بخاطر پیشبرد پروسه صلح با طالبان است نه چیز دیگری.

در "مصوبه شورای علمای افغانستان" گفته شده که:

"اسلام به زنان حق مالکیت، تصرف و دادوستد را داده

حمله امپریالیستهای اشغالگر به رهبری امپریالیستهای امریکا با موج وسیعی از تسلیم طلبی و بخصوص تسلیم طلبی و خیانت ملی احزاب جهادی زن ستیز همراه بوده و روز به روز این تسلیم پذیری شدید و شدیدتر شده می رود. این احزاب تسلیم طلب نه تنها بحثی بر سر خروج قوای اشغالگر از کشور ندارند، بلکه بطور مکرر روی ضرورت امضای پیمان استراتژیک بین افغانستان و امریکا تاکید می نمایند و تلاش دارند تا هرچه زودتر این پیمان امضا گردد و آنها در مورد موجودیت دراز مدت پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان اطمینان حاصل نمایند.

"شورای علمای افغانستان" نیز بخش عمده ای از این تسلیم طلبان میباشد و در خدمت اشغالگران قرار دارد. چندی قبل آتش زدن کتب دینی اسلامی توسط نیروهای اشغالگر امریکایی، که در پایگاه بگرام به عمل آمد، خشم تودها را برانگیخت و توده ها در نقاط مختلف کشور علیه نیروهای اشغالگر به تظاهرات پرداخته و خواهان خروج قوای اشغالگر از افغانستان شدند. اما این تظاهرات از طرف اشغالگران امریکایی و رژیم دست نشانده با گلوله پاسخ داده شد. این سرکوبگری بیشتر از ۲۵۰ نفر کشته و زخمی به جا گذاشت. اما "شورای علما" از مردم خواستند که از صبر و حوصله کار بگیرند و از خشونت علیه اشغالگران پرهیزند. آنها با تعبیرها و تفسیرهای گوناگون بخوبی توانستند حرکت توده ها را طبق خواست و منافع امپریالیزم امریکا مهار نمایند.

"شورای علمای افغانستان" برای خاموش نمودن آتش خشم و نفرت مردم علیه اشغالگران امریکایی مصوبه ای را به تاریخ ۱۳ حوت ۱۳۹۰ ارائه نمودند که مورد تأیید حامد کرزی این شاه شجاع سوم قرار گرفت. هدف اصلی مصوبه مذکور این است که آتش خشم و نفرت مردم علیه اشغالگران امریکایی فروکش نماید و یا به سوی مسایل دیگری منحرف گردد. به همین منظور از زمان طرح این "مصوبه" تا کنون میزگردها و گفتمان های زیادی برافه افتاده است که هدف همگی شان منحرف نمودن ذهنیت توده ها از مشکل عمده کشور و مردمان کشور یعنی حالت اشغال افغانستان است.

"شورای علمای افغانستان" تعدادی از عالم نمایان را در بر می گیرد که دین و دنیای شان را به باداران اشغالگر خارجی شان فروخته اند و هر زمانی که منافع این اشغالگران ایجاب نماید از معتقدات دینی به عنوان حربه علیه مردم استفاده می نماید.

در شرایط کنونی افغانستان قدرت سیاسی در اصل بدست کسانی است که این کشور را به مستعمره خود تبدیل نموده اند. فیصله های رژیم دست نشانده بطور کل، به شمول فیصله های "شورای علمای افغانستان" فقط همانقدر می تواند ارزش و اعتبار واقعی و عملی داشته باشد که به منافع اشغالگران خدمت نماید. چنانچه در این فیصله ها نکاتی موجود باشد که تا حدی

است."

اما این مصوبه در ادامه مینویسد که:

"دوری جستن از اختلاط با مردان بیگانه در عرصه های مختلف اجتماعی، مانند تعلیم، تحصیل، بازار، دفاتر و سائر شئون زندگی."

در صورتیکه حق مالکیت، تصرف و دادوستد به زنان داده شده باشد، زنان به هیچ عنوان نمی توانند که از اختلاط با مردان دوری جویند و در بازار نروند و با مردان وارد معامله نشوند. در صورتیکه زنان از اختلاط با مردان منع گردیده اند پس حق مالکیت، تصرف و دادوستد را ندارند. "شورای علمای افغانستان" در اینجا دچار تناقض گوئی شده است. از این دو موضوع فقط یکی می تواند صحیح باشد.

موضوع دیگر قابل مکث در مصوبه مطلب ذیل است:

"اذیت، آزار رسانی، ضرب و شتم زنان بدون معاذیر شرعی به حکم صریح قرآن عظیم الشان ممنوع است و هر نوع تجاوز ناحق که از جانب اشخاص بالای زنان صورت میگیرد، شورای سرتاسری علمای افغانستان از ارگان های عدلی و قضائی کشور تقاضا به عمل می آورد تا مرتکبین همچو اعمال ناجایز را مطابق حکم شریعت غرای محمدی (ص) و قوانین نافذ کشور مجازات نمایند."

گرچه "شورای علمای افغانستان" تلاش دارد تا خود را طرفدار حقوق زنان و مدافع آنها قلمداد نماید اما در هر گامی که بر میدارد رگه های زن ستیزانه اش بخوبی نمایان میشود.



فقط با اتکاء به نیروی مردم است که میتوان انقلاب کرد!

داد. اشغالگران آگاهانه میخواهند زنان و مردان غیور این خطه را مصروف جنگ تمدنی نمایند که در آن صرفاً از احساسات مذهبی شان سوء استفاده صورت بگیرد. آنها هرگز این را نخواهند پذیرفت که مردم نیاز به انقلابات ملی دارند، آنها هرگز این را نخواهند پذیرفت که مردم نیاز به انقلابات طبقاتی دارند. مردم باید با اتکاء به نیروی هموطنان شان حرکت کنند و دوشادوش زنان به مبارزات انقلابی برای رهایی از یوغ اسارت و استثمار و ستم امپریالیستی - ارتجاعی حرکت نمایند.

تظاهراتی که چند روز قبل در اکثر ولایات افغانستان به راه افتاد، گرچه تعداد زیادی از هموطنان ما را معیوب و مجروح نمود و عده ای نیز به قتل رسیدند، نمیتواند و نخواهد توانست جلوی رشد مقاومت ملی، مردمی

اشغالگران امپریالیست بار دیگر، احساسات توده های ستمدیده این دیار را جریحه دار کرده اند و بار دیگر ستمگری امپریالیستی شان را به توده ها نشان دادند. آنها میخواهند از این طریق توده های ستمدیده این دیار را وارد جنگ تمدن ها نموده و آنها را مصروف بازی سیاسی که طرح و تطبیق آن از طرف خود اشغالگران برنامه ریزی میگردد، نمایند.

مردمان ستمدیده این دیار، خصوصاً زنان بیدار و با شهامت این خطه به خوبی آگاهند که چنین طرحاتی نمیتواند جلوی رشد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی توده های ستمدیده این دیار را بگیرد. زنان نیمی از پیکر جامعه را تشکیل میدهند و تنها با اتکاء به نیروی مردم است که میتوان انقلاب را رهبری نمود و به پیش سوق

به گسترش هرچه بیشتر مقاومت ملی، مردمی و انقلابی فرا میخواند.

ما نباید در شرایطی که تعداد کثیری از مخالفین مسلح دولتی، سلاح شانرا به زمین گذارده اند، عقب نشینی داشته باشیم بلکه بیشتر و بهتر به سازماندهی چنین مقاومتی تکیه کنیم و آنرا سوق و اداره نماییم.

زنده و جاودان باد مبارزات برحق زنان!

مرگ بر اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و خائنین ملی دست نشانده شان!

"دسته ۸ مارچ زنان افغانستان"

۵ جوت ۱۳۹۰



ای ستمگر بند و زولانه بس است

"فریبا فروغ"

ای ستمگر بند و زولانه بس است
دزدی و غارت، چپاول بعد ازین
ظلم بی حد بیش ازین ای بی خبر
نونهالان برده دستان تو
مادرم گریان و طفلش بی پناه
تا یکی همسنگر آن اجنبی
نو عروسان بیوه و طفلان یتیم
سرنگون بادا مقام و تخت تو
بعد ازین اینست شعار ما همه

ماتم این مام ویرانه بس است
ازدرو دیوار این خانه بس است
برمن و این طفل یکدانه بس است
آه شب های غریبانه بس است
ناله مرغان بی لانه بس است
پیروی از امر بیگانه بس است
کشتن شمع شب خانه بس است
پادشاهی پلیدانه بس است
جنگ و ظلم و حکم بیگانه بس است

**به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی
علیه اشغالگران و خائنین ملی دست نشانده شان!**



برای تماس با نشریه :

Email:

nabardezan@gmail.com

آدرس وبلاگ :

www.nabardezan.persianblog.ir

نشریه نبرد زن از شماست ، امید در جهت
 پربار نمودن هر چه بیشتر نشریه با ما مکاتبه
 نمایید. نظرات، پیشنهادات و انتقادات
 خود را به ایمیل آدرس مکاتباتی فوق ارسال
 نمایید.

صفحه

فهرست مطالب مندرج در این شماره :

- ۲۷ - سنت های اجتماعی و خشونت علیه زنان
- ۲۸ - خیز از جای و طلب کن حق خویش (دکلمه)
- ۲۹ - ترانه سروده شده دوم
- ۲۹ - مقاله
- ۳۰ - صدای غرش و توفان (دکلمه)
- ۳۲ - قطعنامه

(بخش سوم)

- ۳۳ - افتتاحیه
- ۳۳ - تاریخچه هشتم مارچ
- ۳۵ - روز هشتم مارچ را هر چه باشکوه تر تجلیل کنید
- ۳۶ - دختر قالین باف (دکلمه)
- ۳۸ - شحه چه دول دویم جنس شوه؟
- ۳۹ - آتنگ دیگر و (دکلمه)
- ۴۱ - سرود اول
- ۴۳ - چرا زنان جنس درجه دوم محسوب میشوند؟
- ۴۴ - دکلمه (معصومه)
- ۴۶ - دکلمه (خوشی جان)
- ۴۷ - چگونه زنان فرودست شدند؟! (دکلمه)
- ۴۸ - دکلمه (نادره)
- ۵۰ - سرود دوم
- ۵۱ - زندگی چیست؟ (دکلمه)
- ۵۲ - قطعنامه

مقالات منتشره " دسته هشت مارچ " :

- ۵۳ - تحلیل مناظره تلویزیونی (پلوشه)
- ۵۵ - مروری بر مصوبه شورای علمای افغانستان
- ۵۶ - فقط با اتکاء به نیروی مردم است که ---
- ۵۷ - ای ستمگر بند و --- (شعری از فریبا فروغ)